

تاریخ روابط سیاسی

ایران و انگلیس

در قرن نوزدهم میلادی

تألیف

محمود محمود

جلد سوم - چاپ چهارم

از انتشارات

شرکت نسبی اقبال و شرکا،

حق چاپ محفوظ

www.CheBayadKard.com

چاپ از :



شرکت نسبی اقبال و شرکاء

فهرست مطالب

جلد سوم کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس

۸۲۲ تا صفحه ۷۸۴	ایجاد سیم تلگراف بین المللی در ایران از صفحه ۷۸۴ تا صفحه ۸۲۲	فصل سی و پنجم:
۸۴۹	۸۲۳	فصل سی و ششم:
۸۵۴	۸۴۰	فصل سی و هفتم:
۸۹۱	۸۵۵	فصل سی و هشتم:
	جای صاحب منصبان نظامی انگلیس در ایران منصبان اداره تلگراف می گیرند - روسها در ایران کاری نداشتند، توجه آنها طرف ترکستان بود - سوء ظن دائمی انگلیس ها نسبت بایران - توجه انگلیس با ایالات ایران -	فصل سی و نهم:
۹۰۷	۸۹۲	
۹۳۰	۹۰۸	فصل چهل و یکم:
	میرزا حسین خان سپهسالار حکمت دولت انگلیس در بلوچستان و سیستان	فصل چهل و یکم:
۹۷۶	۹۳۱	
	رأی حکمت جنرال گلد اسید راجع به سیستان	فصل چهل و دوم:
۱۰۰۷	۹۷۷	
۱۰۴۲	۱۰۰۸	فصل چهل و سوم:
	امتیاز بارون جولوس رودیتر رقابت دولتین روس و انگلیس در ممالک آسیای مرکزی	فصل چهل و چهارم:
۱۰۶۶	۱۰۴۸	
	اقدامات دولت انگلیس در افغانستان و ایران از سالهای ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۰ میلادی مطابق ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۸ هجری قمری	فصل چهل و پنجم:
۱۰۹۲	۱۰۶۷	
۱۱۴۲	۱۰۹۳	فصل چهل و ششم:
۱۱۶۹	۱۱۴۳	فصل چهل و هفتم:
	وضع سیاسی اروپا در این تاریخ چنگ انگلیس - افغان	

فصل سی و پنجم

ایجاد سیم تلگراف بین‌المللی در ایران

ایجاد سیم تلگراف داخلی - مختصری از تاریخ تلگراف بین‌المللی - چگونه استویک اولین امتیاز احداث سیم تلگراف را از شاه گرفت - مواد امتیاز - سر فردریک گلداسمید در بلوچستان برای احداث سیم تلگراف - قرارداد با خان کلات - قراردادهای دیگر در بلوچستان برای احداث خط تلگرافی بسته میشود - قرارداد تلگرافی دولت انگلیس با ایران در سال ۱۲۸۲ هجری مطابق ۱۸۶۵ میلادی - ایضا قرارداد تلگرافی بین انگلیس و ایران در سال ۱۲۸۹ هجری قمری مطابق ۱۸۷۳ میلادی - در سال ۱۸۸۲ و در سال ۱۸۹۴ این قرارداد تجدید شد - قرارداد راجع به سیم تحت البحری - قراردادهای دیگر راجع به سیم‌های تلگرافی در جنوب - قرارداد کمپانی زیمنس (۱)

قبل از اینکه بموضوع افغانستان اشاره کنم لازم است مختصری هم از تاریخ ایجاد سیم تلگراف در ایران گفته شود ، چه ، رشته اینموضوع نیز با رشته سیاست انگلیس در ایران مربوط میباشد . چه ، از هر محلی که سیم تلگراف عبور میکرد نفوذ دولت انگلیس در آنجا برقرار میشد .

جزو سوانح و اطلاعاتی که مورخین ایران ضبط نموده‌اند این موضوع از سال ۱۲۷۲ هجری (۱۸۵۲ میلادی) ضبط شده است .

در تاریخ منتظم ناصری جزء وقایع همان سال اشاره میکند ، نمونه تلگراف از عمارت سلطنتی شهر الی باغ لاله‌زار بمراقبت میوگرشش^(۱) معلم توپخانه ایجاد شد. جزء وقایع سال ۱۲۷۵ هجری (۱۸۵۸ میلادی) مینوسد، ایجاد و امتداد سیم تلگراف از دارالخلافه قاهره الی عمارت سلطانیه و از آنجا تا تبریز بمباشرت نواب اعتضاد السلطنه شروع گردید .

جزء وقایع سال ۱۲۷۷ هجری (۱۸۶۰ میلادی) مینوسد ، حسب الامر سیم تلگراف از شهر دارالخلافه به شهران کشیده شد .

جزء وقایع سال ۱۲۷۹ هجری (۱۸۶۲ میلادی) مینوسد ، خط تلگراف از دارالخلافه تا گیلان امتداد یافت سرهنگ علیقلی خان مخبرالدوله به منصب سرنویی و دوست تومان اضافه موجب سرفراز گردید .

در سال ۱۲۸۰ هجری (مطابق ۱۸۶۳ میلادی) سیم تلگراف از سرحد ارس تا بندر بوشهر امتداد میابد . ایضاً از خط سرحدی خاقین تا دارالخلافه نیز شروع بکشیدن سیم تلگراف شد . ایضاً ابتدای ایجاد سیم تلگراف بحری از خلیج فارس که سواحل هندوستان و عربستان را بهم وصل کند در این سال شروع گردید .

در سال ۱۲۸۱ هجری (۱۸۶۴ میلادی) مینوسد ، چون اغلب خطوط تلگراف ممتد شده از بندر بوشهر الی سرحد خاقین بمعیت واستادی هانزور شاهمین^(۲) و سایر صاحبمنصبان انگلیسی بانعام رسید و بهم وصل شد، قراردادنامه در چهارفصل بامعنی وزارت علوم و سفارت انگلیس بین طرفین مبادله شد .

اینها در واقع تمام مطالبی است که مورخین وقت جزء وقایع مهم ایران ضبط نمودماند ولی آنچه که حقیقت مسئله است احتیاجات دیگری باعث ایجاد سیم در ایران شد که من بطور اختصار باین موضوع اشاره میکنم .

در این باب لرد کرفن در جلد دوم کتاب خود راجع بمسائل ایران اینموضوع را متذکر شده مینوسد :

کشیدن مملکت ایران در دایره رشته‌های تلگرافی که با ممالک اروپا مربوط

(1) Krziz. (2) Champagne.

بشود هیچ جهت مخصوصی نداشته و هرگز چنین نیت و یا اراده مستقیمی هم وجود نداشت که برای ایران منبع عایدات سرشار ایجاد شود. مثل اینکه از تأسیس رشته‌های سیم تلگرافی در ایران منافع معنایی برای آن مملکت پیدا شد و در ضمن وسیله مخصوصی ایجاد گردید که احکام و اوامر پادشاه ایران از سرحد غربی مملکت خود تا خلیج فارس توسط این اختراع حیرت انگیز مخایره شود. این هیچ دلیل نداشت جز اینکه وضعیت جغرافیائی مملکت ایران طوری بود که آنرا بسعادت داشتن يك چنین مؤسسه سودمندی نائل گردانید.

هرگاه قلمرو شهریار ایران در سر راه مملکت وسیع هندوستان واقع نشده بود که دولت انگلیس بدان محتاج باشد، این مملکت میبایست سالهای متعددی در انتظار داشتن سیم تلگرافی بماند تا اینکه فشار احتیاجات زندگی تأسیس سیمهای تلگرافی را در آن مملکت عملی کند.

هنگام انقلاب هند احتیاج بداشتن يك وسیله سریع برای فرستادن و گرفتن مطالب مهم بین انگلستان و هندوستان بطور مؤثری احساس میشد، چونکه تقریباً سه ماه طول میکشید تا يك مطلب از لندن به هندوستان رفته جواب آن برسد.

در سال ۱۸۵۹ میلادی دولت انگلیس اولین قدم را برداشت که رابطه تلگرافی مستقیم با هندوستان داشته باشد، این اقدام عبارت از این بود که يك سیم تحت‌البحری در بحر احمر دایر کند و این سیم تحت‌البحری را بوسیله سیم تحت‌البحری بین اسکندریه و مارسه (۱) بوسیله دریای مدیترانه وصل کند. سیم تحت‌البحری این قسمت توسط يك کمپانی مخصوص اداره میشد.

بواسطه اینکه ابتدای کار بود و هنوز تجربیات صحیحی بعمل نیامده بود و اختراعات بعدی در آن روزها کشف نشده بود از این اقدام نتیجه مطلوبی بدست نیامد و مخایرات از این خط فقط در مدت سه هفته انجام گرفت و بعدها دیگر کار نکرد و متروک شد.

مقارن این احوال و در همین سال از طرف دولت عثمانی پیشنهاد شد خط

(1) Marseilles.

تلگرافی که توسط عمال انگلیسی بعد از جنگ کریمه از اسکوتاری تا بغداد کشیده شده بود همان خط را تا هندوستان ادامه دهند ، بنابراین کلنل پاتریک استوارت^(۱) یکی از صاحبمنصبان لایق و جدی ، که مرگ ناگهانی او اسباب تأسف تمام انگلیسها شد ، مأمور خلیج فارس شد که تحقیقات لازمه را برای کشیدن سیم تلگراف در آن نواحی بعمل آورد . باین نیت که بکرشته کابل تحت‌البحری از هندوستان در امتداد خلیج فارس تا محل فاو واقع در مصب شط‌العرب کشیده شد پسیم یری بصره - بغداد وصل شود . ولی پیشنهاد نشده بود که تمام این قسمت سیم تحت‌البحری از کراچی همند شود . بلکه در نقشه عمل این بود که یک خط کناره از سند در امتداد ساحل مکران تا گوادر کشیده شود و تحقیق و معاینه این قسمت بعهد سرفردریک گلداسمید محول شده بود ، این بود که اطلاعات ذقیقت او در این نواحی بعدها خیلی مفید واقع شد و دولت انگلیس او را برای همین اطلاعات در تعیین حدود سرحدی این قسمتها نماینده سیاسی خود معرفی کرد .^(۲)

بهر حال در اکتبر سال ۱۸۶۳ مذاکرات اولیه از طرفین قبول شد و در سپتامبر ۱۸۶۴ قرارداد این کار خاتمه پیدا کرده بامضاء رسید و تا آخر آنسال تمام این قسمتها برای مختبرات تلگرافی آماده شده بود . یعنی لندن به استانبول از راه پاریس ، استرانبورگ ، مونیخ و وینه . استانبول به بصره از راه اسکوتاری ؛ سیواس ، دیاربکر ، بغداد و بصره ، فاو کراچی از راه بوشهر و جاسک بامتداد ۵۱۳۰ میل که بین لندن و کراچی است . ولی در ابتدای امر مخصوصاً در اوقاتی که مذاکرات قرارداد آن در جریان بود و بعدها نیز که امتیاز آن امضاء شد و در کار عمل بودند .

(۱) Colonel Sir Patrick Stuart - صفحه ۷۶۱ جلد دوم رجوع شود .

این شخص در تاریخ ۱۸۶۲ بایران آمد و امتیازات احداث سیم تلگراف از خاقین جلهران و بوشهر را میخواست توسط سفارت انگلیس بگیرد و نتیجه نرسید .

(۲) Sir Frederic John Goldsmid - وقتیکه شرح وقایع سال ۱۸۷۰

برسیم از این شخص زیاد صحبت خواهد شد . چونکه در سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۲ در تاریخ سیاسی ایران دل مهمی بازی نموده است . یعنی در قضایای آن ایام ایران دخالت تمامی داشته و در تقسیم سیستان و بلوچستان بنفع افغانستان و انگلستان یگانه عامل مهم بشمار میرود .

حتی بنظر میرسید که این خط طویل که باین زحمت برای آن مقصودی که در نظر است تأسیس میشود غیر مناسب میباشد و ممکن است غفلتاً قطع گردد. چونکه ممالک بین لندن و بغداد که سکنه آنها از مثل مختلف با زبانهای مختلف است. مطالب تلگرافی که میاید از آنها عبور کند دچار اشکالات خواهد شد و بین بغداد و فاهوهای سوزنده بدی دارد چونکه از بین القهرین می باید عبور کند و قبایل عرب که در سواحل در رودخانه معروف سکونت دارند ممکن است اسباب خرابی سیم ها باشند. همینطور هم انتظار میرفت که ممکن است تولید زحمت تموده دائماً اظهار مخالفت کنند. با اینکه در عمل معلوم شد که تا حدی این خطرات احتمالی اتراق بود. ولی کافی بود که دولت انگلستان را وادارد که طریقی دیگری اتخاذ کند آنها این بود که بدربار ایران نزدیک شده راه دیگری انتخاب کند. یعنی یک خط تلگرافی دیگر در نظر بگیرد که از راه خشکی به خلیج فارس برسد. و این عبارت از سرحد خاقین طهران است و از طهران به بندر بوشهر ولی در این هنگام مناسبات دولت انگلیس با ایران دوستانه نبود و دولت انگلیس نفوذی در دربار ایران نداشت. پیشنهادهای ما نه تنها مورد مخالفت های کهنه پرستان درباری شد که با هر موضوع تازهای دشمنند بلکه تصور مینمودند یک دام تازه ای برای آنها از ایجاد سیم تلگراف گسترده میشود. بهر حال کلنل استوارت تحقیقات خود را تمام نموده نقشه های خود را آماده کرد و صحیفه ایراترا ترك گفت و منظر موقع مناسب برای عملی نمودن آن گردید.

پس از آن اتفاقات در اوایل سال ۱۸۶۳ اطلاع حاصل گردید که دولت ایران از اظهارات مخالفت خود استغفار کرده و اولین قرارداد تلگرافی را در فوریه آن سال امضاء نموده است. البته شرایط این قرار داد اولیه بعدها اصلاح گردید. بنا اینحال هنوز هم همان قرارداد اولیه زمیند برای اجرای عمل تلگرافی در ایران است و این نشان میدهد که وزراء ایران با چه ترس و لرزی با ایجاد سیم تلگراف در ایران نگاه میکردند. طبق این قرارداد کشیدن سیم با دستور صاحب منصبان انگلیسی بوده ولی این سیم کشی برای دولت ایران بوده و خود عمال دولت ایران هم باید آنرا اداره کنند. فقط انگلیسها اجازه داشتند مطالب تلگرافی خودشانرا با نرخ معینی بخابره کنند.

در حقیقت عایدات تلگرافات دولت انگلیس بود که سوغظن شاهرآ نسبت باحداث سیم تلگرافی در ایران بر طرف نمود و پرداخت های منظم بعدی، راهرا برای گرفتن امتیازات عملی دیگری صاف نمود و تا آخر سال ۱۸۶۴ خط تلگرافی روی تیرهای چوبی بوده آنها فقط یک رشته سیم از خاقین، کرمانشاه و همدان بظهران رسیده و از آنجا از راه اصفهان و شیراز به بندر بوشهر امتداد یافت و از آنجا بسیم تحت البحر کراچی متصل گردید. ولی این عمل باسانی انجام نگرفت چونکه مشکلات زیادی در پیش بود. حکام ولایات و رؤساء ایلات که سیم از نواحی آنها عبور میکرد اشکالات زیادی فراهم مینمودند. اما تمام اینها را صاحب منصبان مجرب انگلیسی با صبر و حوصله و بردباری تمام تحمل مینمودند. بهر حال با تمام این احوال طولی نکشید که شدت و مخالفت های ایرانی بر طرف گردید و در اواخر سال ۱۸۶۴ قرارداد دیگری بین دولت ایران و دولت انگلیس برقرار شد که بموجب شرایط آن، اداره نمودن سیم های تلگرافی برای مدت پنج ماه بصاحب منصبان انگلیسی واگذار گردید و قرار شده بود بعد از انقضاء پنج ماه سیم را تحویل عمال ایرانی داده صاحب منصبان انگلیسی از ایران خارج شوند ولی، قبل از انقضاء پنج ماه قرارداد دیگری در تاریخ نوامبر ۱۸۶۵ با دولت ایران منعقد گردید. باین ترتیب که سیم دیگری روی همان تیرها کشیده شود که مخصوص مخایرة مطالب خارجی باشد و عمال انگلیسی نیز خودشان آنها را اداره کنند و عده آنها هم از پنجاه نفر تجاوز نکنند و مدت اقامت آنها هم در ایران فقط برای پنج سال مقرر گردید.

البته این اصلاحات در شرایط قرارداد اولیه نتیجه رفتار ملایم و بسا ملاحظه صاحب منصبان انگلیسی بود که جلب توجه اولیای امور ایران را نمودند. بعلاوه معلوم بود که ایرانیها بدون کمک آنها قادر نبودند امور تلگرافی را اداره کنند. یقین است که منافع مادی ایرانی ها در این قرارداد ثانی کمتر از منافع انگلیسیها نبود. چونکه اولاً يك سیم آزاد برای مخایرة مطالب داخلی خودشان همیشه در دست خود داشتند و قریب سی هزار تومان یا دوازده هزار لیره در سال از همین مبر، عایدات خالص داشتند و در انقضاء قرارداد نیز تمام آلات و ادوات و دستگاههای تلگراف بدولت ایران تعلق میگرفت.

هیچ شکی نداشت که مشاورین بدانندیش شاه نمی توانستند علیه يك چنین عایدی
هنگفت رأی مخالف بدهند .

در سال ۱۸۶۶ بواسطه اتصال سیم ایران بسیم تلگرافی قفقاز نتایج خوبی حاصل
گردید .

اینك سه خط دایر بود ، خط انگلیس و ترك ، خط انگلیس و ایران و خط
ایران و روس . ولی با اینحال اعضاء تلگرافی آنها چندان ماهر نبودند و عمل ارسال
و گرفتن تلگرافات خیلی کند بود و تأخیر زیاد حاصل میشد .

بعلاوه تاریخ تقویمهای این ممالک و زبانهای مختلف آنها باعث میشد که مخابرات
مطالب تلگرافی با آن سرعتی که منظور بود حاصل نگردد .

در حقیقت اسان دیوانه میشد ، چونکه این تلگرافات از دست تلگرافیهای
بی اطلاع از قبیل انگلیسی ، فرانسوی ، هلندی ، آلمانی ، ایتالیائی ، یونانی ، بلغاری ، والابی ،
سربی ، روسی ، ترکی ، ارمنی باید بگذشت و تمام اینها تولید زحمت مینمود .

در سال ۱۸۶۷ يك طریق عملی از طرف يك کمپانی مخصوص پیشنهاد شد و آن
این بود که خط تلگرافی با دورشته سیم بین لندن و تهران برقرار گردد و این خط
توسط کمپانی اروپائی و با سرمایه آن کشیده شود که فقط برای مخابرات مطالب تلگرافی
هندوستان اختصاص داشته باشد .

نظریه نفوذ و خصوصیتی که این کمپانی با دول مختلف داشت توانست که در عرض
همان سال امتیازات لازمه را از آلمان ، روس و ایران بدست بیاورد و حسی که این
خط داشت این بود که بین **لووستافت**(^۱) و کراچی این خط تلگرافی فقط از خاک
این سه دولت عبور مینمود و این امتیاز را تلگرافی هند و اروپائی(^۲) دارا شد و در
۳۱ ژانویه ۱۸۷۰ بین لندن و تهران رسماً افتتاح شد و در نقطه بندر بوشهر بسیم بوشهر -
کراچی وصل شد و مخابرات مطالب تلگرافی بین لندن ، تهران و هندوستان شروع

(۱) Lowestoft - بندری است در ایالت سوفولک Suffolk انگلستان .

(2) Indo European .

گردید و خط کمپانی تلگرافی هند و اروپائی از لندن بطهران از راه آلمان ، روسیه ، جلفا ارس و تهران ، بندر بوشهر ، بکراچی بخوبی دایر گردید .

در همان اوقات باز در خط تلگرافی بری يك اشتباهات و تأخیراتی وجود داشت و برای سرعت عمل اقدام به تشکیل يك کمپانی دیگر شده بود که يك خط تلگرافی دیگر از طریق دریای مدیترانه - بحرا حمر تا بمبئی کشیده شود و در سال ۱۸۶۷ کمپانی فوق‌الذکر بنام **کمپانی شرقی (۱)** تشکیل گردید و قرار شد دو سیم تحت البحری از محل **فال موث (۲)** از راه **جبل الطارق ، مالتا ، سویس ، عدن ،** و غیره کشیده شود و این خط نیز در سال ۱۸۷۰ درست همان سال که خط بری افتتاح شد این خط دریائی نیز دایر گردید و حکومت هندوستان با هر دو کمپانی در تقسیم مخایرات قرارداد مخصوصی دارد این ترتیب که کمپانی شرقی ۶۴ درصد، کمپانی هند و اروپائی سی و چهارونیم درصد و خط عثمانی يك و نیم درصد مخایرات را انجام دهند .

در سال ۱۸۶۷ هر گاه مطلب تلگرافی بین لندن و هندوستان در مدت سه روزه به صاحب مطلب میرسد نهایت رضایت حاصل بود ولی همینکه سیمهای دو کمپانی فوق‌الذکر دایر گردید تأخیرات منحصر يك روز شد ، بعد هشت ساعت ، بعد پیرش ساعت رسید و بعد طولی نکشید که در عرض یکساعت و نیم مطلب تلگرافی بدست صاحبش میرسد .

رشته‌های سیم تلگرافی چه بری و چه بحری طول آنها از این قرار است :

- ۱ - از کراچی بجاسک از ساحل مکران دو رشته ۶۸۳٫۵ میل ، ایضاً يك سیم تحت البحری از کراچی بجاسک ۵۴۰ میل دریائی .
- ۲ - جاسک به بندر بوشهر سیم تحت البحری ۵۱۹ میل بحری .
- ۳ - بندر بوشهر به طهران سه رشته سیم ۸۱۰ میل .
- ۴ - طهران به جلفا ۴۵۶ میل .

(1) Eastern Company

(۲) Falmouth بندری است در جنوب انگلستان در ایالت کورنوال Cornwall

۵ - بوشهر به فلوسیم تحت البحر ۱۵۲ میل بحری -

امراجع با امتیازات دولتی که برای احداث این سیمهای دولتی ایران و انگلیس برقرار است: قرارداد دوم که در تاریخ ۱۸۶۵ گذاشته شده؛ قرارداد دیگری در سال ۱۸۷۲ بسته شد که در روی تیرها سه رشته سیم کشیده شود، یک رشته برای مطالب داخلی دولت ایران و دو رشته دیگر برای مخابرات خارجی؛ در این قرارداد مقرر می‌گردد که دولت ایران داده می‌شود به دوازده هزار تومان تنزل نمود، یعنی تقریباً ۵ هزار لیره (در قرارداد سابق ۱۲ هزار لیره یا سی هزار تومان) و مدت آن نیز تا ۱۸۹۵ تمدید شد، بعد بموجب یک اجازه مخصوص تا ۱۹۰۵ ممتد شد و آتیه نشان میدهد با آن منافع زیادی که عاید دولت ایران میشود و وسعت تشکیلات آن که اداره کردن این خطوط از عهد ایران خارج میباشد برای آتیه می‌توان گفت که مدت آن برای همیشه است و در این باب نمیتوان نگرانی داشت.

در سال ۱۸۹۱ کمپانی هند و اروپائی بواسطه پیش دادن وجوه ده ساله حق امتیاز تلگرافی پادشاه ایران، مدت امتیاز آن را که در سال ۱۹۰۵ منقضی می‌شد تا ۱۹۲۵ تمدید کرد و همین ترتیب را حکومت هندوستان برای قراردادهای تلگرافی خود با دولت ایران اتخاذ نموده است.

در سالهای اول کار که بنا شد یک عده اعضاء برای کشیدن سیمها و اداره نمودن امور تلگرافی بسایران بیابند، یکعده صاحبمنصبان و مهندسين پادشاهی انگلستان بودند که دارای خصائص مخصوص و برای انجام این مأموریت مین شدند بودند، فعلا عده کمی از آنها باقی هستند، اگرچه این خط یک خط تلگرافی نظامی است ولی اعضاء آن عموماً مستخدمین کشوری می‌باشند و عده آنها امروز (۱۸۹۰ میلادی) بالغ بر ۴۴ نفر است.

در اوایل امر تیرهای تلگرافی از چوب بود، بعد معلوم شد که این تیرها مقاومت رفع خارش بدن شترهای آن اطراف را ندارند، بهرور تیرهای چوبی مبدل به تیرهای چدن شد.

تا اینجا شرحی که داده شد بیان گزارش احداث سیم در ایران بود و تصور

می‌تکنم دانستن آن خالی از فایده نباشد .

اینک می‌رویم شرح تأثیرات آن را برای دولت ایران و برای داخله آن کشور و آنچه که از تاسیس رشته‌های سیم تلگرافی در ایران حادث شده است بیان نماییم .
این تأثیرات را می‌توان در تحت چهار عنوان شرح داد و میزان هر یک را خوب سنجید که تا چه درجه در ترقیات و تغییراتی که در مدت سی سال گذشته (این عبارات در سال ۱۸۹۱ میلادی نوشته شده) در اثر ایجاد و کشیدن سیم تلگرافی در ایران بروز نمود مؤثر بوده و من آن‌ها را در صفحات کتاب خود شرح داده‌ام ؛ بنظر من در این ترقیات و تغییرات سیم تلگراف عامل مهمی بوده است .

اولین فائده احداث سیم تلگراف در ایران این بود که مملکت ایران را با دول اروپائی مربوط نمود و ملت ایران را یکی از اعضاء ملل عالم قرار داد و سبب شد که اروپا نسبت باین مملکت دور افتاده که تا آن زمان خیلی کم از آن شنیده میشد بسیار چیزها بفاندد و بشنود ، قبل از ایجاد سیم تلگراف در ایران ، اروپا فقط اطلاعی که از ایران داشت این بود که ملت فعلی ایران اخلاف از کار افتاده و فاسد شده ملت سلطه‌شور ادوار درخشان و با عظمت **گوروش و داریوش** می‌باشند ، اما امروزه چنین نیست . از طرف دیگر ملت و دولت ایران نیز بمؤسسات امروزی اروپا و همچنین بعبادات و رسوم و عقاید زندگانی اروپائیان آشنا شدند ، در صورتی که قبل از آن تاریخ ایرانیها تصور می‌کردند مؤسسات و آداب و رسوم و طرز زندگانی آنها بهتر و بالاتر از سایرین است ، و این عقیده در آن ملت ثابت و غیر متزلزل شده بود ولی همینکه ملت ایران بمؤسسات اروپائی آشنا شد تمام اینها در انظار آن ملت يك نوع نازگی داشت و بمرور شروع کردند از آنها تقلید کنند و با آن سرشت عالی که ملت ایران داراست بکسب آنها اقدام کنند و آشنا شوند .

هرگاه این سیم برقی نبود ملت ایران نیز مثل سابق در همان خواب خوش شرقی تا امروز آرمیده بود و در حال سستی و خمودگی ، آرام و بدون سر و صدا امرار حیات نموده روی زوال میرفت و با اینکه مانند سایر ممالک شرقی از قبیل ممالک پادشاهی و خانی صدای شیپور سپاهیان امپراطور مسکوکه از میان گوش آن‌ها جدا در می‌آمد آنها

را از خواب خوش شرقی بیدار نمود و دیگر چه سود ، در این هنگام میبایست ملل اروپا هم دعوت شده در تشریفات تشییع جنازه شرکت کنند ، در هر حال در تمام این قسمت ها آنچه از قبیل تمدن ، اصلاحات و تجدید طلبی که در این بیست و نهم سال گذشته در ایران پیدا شده است و من در صفحات کتاب خود باغلب آنها اشاره نموده ام ، آنها تماماً مربوط باحداث سیم تلگراف در ایران بوده است .

من هنوز هم در تردید هستم از اینکه هر گاه غیر از این بود شاه حاضر میشد ایران را ترک کرده باروپا برود و حضوراً ببیند و بشنود که سلاطین با عظمت اروپا در مجالس سلامتی او باده نوشی میکنند و سکنه لندن و پاریس هنگام عبور او از خیابان ها خوش آمد و تهنیت میگویند ؟

در حقیقت از سال ۱۸۶۴ باین طرف است که مملکت و ملت ایران در اروپا مغزوق شده و در صحنه حیات بین المللی مانند یک شخص معینی شناخته شده است . در قسمت دوم لرد کرزن اشاره میکند :

« بواسطه ایجاد سیم تلگراف در ایران طولی نکشید که رشته های فرعی تلگراف نیز باطراف مملکت کشیده شده و اغلب نواحی دوردست ایران با مرکز مربوط گردیدند و مرکز حکمرانی میتواند بسرعت احکام و اوامر خود را باطراف و نواحی کشور وسیع ایران بفرستد . سابقاً در مدت خیلی زیادی اخبار و مطالب ولایات بتهران میرسید ولی بعد از احداث سیم تلگراف ، شاه از نواحی دوردست مملکت خود فوری خبردار میشد و دیگر باغیها مجال و فرصت نداشتند علم یاغیگری را برپا کنند ، چونکه از مرکز برای سرکوبی آنها بفوریت استمداد کافی فرستاده میشد . »

در تحت عنوان سوم مینویسد :

« روابط دوستانه ما در این سی ساله گذشته بین ایران و انگلستان بسواطمه نزدیکی با ایرانی ها ترقی فوق العاده نموده است ، انگلیسها که در تمام ایران برای سرپرستی تلگرافخانه ها متفرق شده اند ، با تمام طبقات مردم تماس دارند و با آنها مدام در آمیزش هستند ؛ از حاکم محل گرفته تا بزرگ و دهاتی ، با تمام آنها مغازاوده میکنند ، مأمورین دولت انگلیس همیشه در امتداد سیم حرکت کرده یا اطلاع مختصری

که از طبابت دارند با میل مفرط بمعالجهٔ ناخوشها و ببدادن دواهای مجانی بآنها اقدام میکنند. (۱) بالاتر از همه چون گرفتن رشوه را يك نوع گناه عظیم می‌شمارند ، بهمین ملاحظه صاحب منصبان انگلیسی که ریاست تلگرافخانه‌ها را داشته‌اند لزوماً میبایست بهترین صفات اخلاقی را که در سرشت هر انگلیسی مخمر است دارا باشند که بتوانند طرف احترام سکنه آن ناحیه باشند. این صاحب منصبان غالباً در قزاق‌های محلی بین ایرانیها حکم واقع میشوند، اغلب اوقات اشخاص مظلوم و آفتابیکه در تحت فشار و تعدی متفذین واقع میشدند فرار کرده به تلگرافخانه انگلیس پناهنده میشدند و همینکه چنین شخص فراری وارد محوطه سفارت میشد از تجاوزات مصون بود، حال تلگرافخانه‌های انگلیس حکم يك بست ایمنی را پیدا کرده‌اند ، صاحب منصبان عالی‌درجه تلگرافخانه‌ها در شهرهای بزرگ حکم مشیر و مشار را پیدا نمودند که حکام و شاهزادگان محل آنها را طرف شور و مشورت خودشان قرار میدهند.

هرگاه مقام فعلی این صاحب‌منصبان را که در تمام مملکت ایران دارا شده‌اند و نسبت بآنها يك نوع حسن احترام در همه جا وجود دارد ، با ضدیت و مخالفت‌هایی که سکنه با مهندسين و تلگرافچی‌های انگلیسی در روزهای اول کار مینمودند مقایسه کنیم ، خواهیم دید ایرانیها تا چه درجه این عمل نیک و رفتار خوب عمال انگلیسی تلگرافخانه را قدر دانی میکنند ، آن حوادث اولیه بدل با اعتماد ، و دشمنی آنها مبدل بدوستی و رفت و آمد دوستانه شده است .

عنوان چهارم در باب منافع ایران از ایجاد تلگراف در ایران است ، گرزق گوید :
 منافی که از این مؤسسه و از حضور عمال انگلیس عاید ایران شده آن اطلاعات محلی است که صاحب منصبان انگلیسی بدست آورده‌اند که در نتیجه دولت ایران آن

(۱) H.S.Landor که در سال ۱۹۰۰ در ایران سیاحت کرده در جلد دوم کتاب خود موسوم به:

« Across Coveted Lands By Henry Savage Landor P. 106 vol. 2 »

می‌نویسد : « چند نخود گنه‌گنه یا چند مثقال روغن کرچک ممکن است وسیله‌ای باشد برای بدست آوردن اطلاعاتی که برای دولت انگلیس هرگاه آن اطلاعات خوب بکار برده شود

میلیونها لیره ارزش خواهد داشت . » جلد دوم صفحه ۱۰۶

استفاده نموده است و آن این است که اختلافات سرحدی که بین ایران و سایرین وجود داشته بواسطه اطلاعات محلی صاحب منصبان انگلیسی آن اختلافات بوجه احسن رفع شده است .

مثلا اطلاعاتی را که جنرال گلداسمید در نواحی و سواحل مکران در هنگام سیم کشی از کراچی به جاسک بدست آورده بود ، سبب شد که بین دولت ایران و حکومت کلات در سال ۱۸۷۱ برای رفع اختلافات طرفین حکم واقع شده و یک سرحد تازه برای دو مملکت پیشنهاد کند^(۱)

بعد از شرح فوق گرز ن علاوه میکند : و با تمام این تغییرات سودمند که تلگراف باعث ایجاد تمام آنها در این مملکت شده و آن نام یک و معروفیتی که صاحب منصبان انگلیسی تلگرافخانه تحصیل نمودند و نفوذ فوق العاده محلی که صاحب منصبان دارا شده اند در مقابل تمام اینها آن استفاده هائی را که میبایست دولت انگلیس از این پیش آمدها و اطلاعات این مأمورین نموده باشد ، هرگز آن استفاده ها را نموده است . هرگاه این مأمورین و صاحب منصبان روسی بودند هر یک از آنها خدمات برجسته و ذی قیمت بوطن اصلی خودشان انجام داده بودند .

اما باید بخاطر داشت که من در اینجا قصد ندارم مأمورین و صاحب منصبان انگلیسی را با اقداماتی که خارج از وظیفه آنها باشد تشویق کنم و بمسئولیتی که مخالف مسئولیت وجدانی آنها باشد اشاره نمایم ولی وقتی که بگذشته سیاست خودمان که تا حال در آن مملکت داشته ایم مراجعه می کنم جز اظهار تأسف کلری نمیتوان کرد . در این مدت که قریب بیست و پنج سال است^(۲) ، از این همه نفوذهای محلی و اطلاعات تاریخی این مردان لایق و قابل و در حقیقت فداکار که در این قسمتها و نواحی سالها بسر بردند از وجود آنها بقدری کم استفاده شده است که در واقع میتوان گفت هیچ بوده و بسیار اسباب بدبختی است و هیچ نوع سعی و کوشش از طرف دولت انگلستان

(۱) وقتی که باین سال برسیم من وقایع این ایام را بطوریکه بوده شرح خواهم داد .
حقیقت غیر از این بوده که لرد مظلم شرح میدهد .
(۲) در سال ۱۸۹۱ لرد گرز ن کتابهای معروف خود را راجع بایران نوشته است .

نشده است که از اطلاعات و خدمات و نفوذ این اشخاص استفاده کنند، اگر هم شده باشد بسیار کم و اندک بوده است.

در یکی و دو محل های مهم، اولیای امور محلی رؤساء تلگرافخانه ما را در امور سیاسی طرف اعتماد خودشان قرار دادند ولی این نوع اتفاقات خیلی نادر بوده است علت آن نیز این بود که مدتها بین تلگرافخانه انگلیس و سفارت پادشاهی انگلستان یک نوع عداوت‌های وجود داشته و عملیات این دو مؤسسه انگلیسی برخلاف یکدیگر بوده، در واقع مؤسسه تلگرافی ما حکم یک دولت جداگانه را پیدا کرده بود که در وسط قلمرو دولت دیگر وجود داشته باشد^(۱) و خود مستقلاً با حکام محلی و اشخاص متنفذ، داخل در حل و عقد مسائل می شده بدون اینکه بمساعدت یا بمشورت مأمورین سیاسی مأموریت داشته باشند خوش بختانه امروز آن حوادثی احمقانه ازین رفته است.

حالی که باید در نظر گرفت که از وجود این صاحب‌منصبان مجرب می توان استفاده کرد و آنها را تشویق نمود که اطلاعات خودشان را در مسافرت‌های خود که برای بازدید و رسیدگی سیم‌های تلگرافی می روند توسعه دهند و برای همین نظرها بوده که در اوایل امر مهندسی قابل برای تلگرافخانه ما معین شدند.

همچنین صاحب منصبان عالی رتبه آنها که غالباً در قسمت‌های مهم ایران هستند روابط نزدیکی با اولیای امور محلی دارند و ممکن است با آنها اجازه داد که نفوذ زیاد خودشان را باینفع حکام محلی بکار ببرند.

اتخاذ این طریقه به پیشرفت مقصود که فعلاً انگلستان آنرا جداً تعقیب می کند کمک خواهد نمود.^(۱)

این بود آنچه که لرد گرن در باب ایجاد سیم تلگراف در ایران در کتاب خود نوشته است.

امروز موضوع تلگرافخانه انگلیس در ایران خود بخود ازین رفته است و با ایجاد دستگاه تلگراف بی سیم، دیگر تلگراف با سیم برای انگلیس موضوع نداشت.

(۱) Imperium in Imperio.

و در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی دولت ایران تمام آنها را مالک شد و دست عمال انگلیس بکلی از دخالت در امور تلگرافی کشور ایران کوتاه گردید و همه آنها با وطن خود مراجعت کردند ولی تأسیس سیم تلگرافی در ایران و گماشتن یکعده پنجاه نفری کارکنان انگلیسی که هر یک خود را مستقل و خارج از تحت نفوذ داخلی و خارجی می دانستند یک موضوع سیاسی و یکی از نقشه های عریض و طویلی بود که برای حفظ هندوستان با مهارت تام و تمام تهیه شده بود.

بعد از فتحعلیشاه، حتی در اواخر سلطنت او نیز اولیای امور ایران کم و بیش آگاه شده بودند که سیاست همسایگان زورمند آن نسبت بمملکت ایران چیست و در ضمن زور خودشان را هم بازور آنهاستجیده و فهمیده بودند که در میدان مبارزه و جنگ و ستیز فاقد وسایل حمله و دفاع هستند و در سیاست نیز حریف آنها نیستند.

بنابراین حتی الامکان از نزدیکی با آنها احتراز میجستند و در اواخر کار طوری شده بود که از هر پیشنهاد آنها چه خوب و چه بد دوری می کردند.

در زمان سلطنت محمد شاه می توان گفت که روابط سیاسی بکلی مقطوع بود فقط در اواسط سلطنت آن شهریار درباریان او برای حفظ خودشان ناچار شدند بمعال انگلیسی تا اندازه ای روی خوش نشان بدهند.

در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه مرحوم میرزا تقی خان امیر نظام بکلی، اما ماهرانه و مؤدبانانه دست رد بسینه هر دو همسایگان ذی نفع گذاشت و تازنده بود بهیچیک اجازه نمی داد در امور ایران دخالت کنند.

این بود که از هر دو دولت گریزان بودند، حتی مرحوم میرزا تقی خان امیر نظام غدغن اکید نمود بود که احدی از ایرانی ها بانمایندگان خارجه آمد و رفت نکنند و روابط آنها با ایرانی ها بکلی مقطوع بود.

البته گذشته های تلخ و ناگوار که از رفتار عمال خارجی ناشی شده بود همیشه در خاطر اولیای امور ایران بود و بهمین ملاحظه حاضر نبودند دیگر از خارجه مانند زمان فتحعلی شاه برای تعلیم قشون ایران صاحب منصب و معلم بیاورند، چه همه درباریان فهمیده بودند که این صاحبمنصبان تمامشان در باطن یک جاسوس سیاسی

یمن نیستند که بفتح مملکت خود در ایران باین سمت گماشته شده‌اند ، این بود که دیگر ایرانی ها مایل نبودند برای قشون خود عشاق و معلم اروپائی بیاورند ، ولی آنها دست بردار نبودند ، مخصوصاً دولت انگلیس اصرار داشت از تمام جریان های ددباری ایران مطلع باشد. بخصوص در این اوقات که روسها در قسمت های شرقی بحر-خزر و ترکستان مشغول جهانگیری بوده و بطرف هندوستان نزدیک می شدند.

بنابر این لازم بود که جای نظامی ها را بیکمته دیگر بگیرند یعنی همان نظامیها باشند منتها با اسم دیگر ، این است که در این هنگام یعنی بعد از فراغت از انقلاب هندوستان در سال ۱۸۵۹ بدولت ایران نزدیک شده با آن شرح و تفصیلی که در یادداشت های استویک گذشت امتیاز اولیه را بعد از چهار سال تعقیب و مذاکره ، با همراهی میرزا سعیدخان و مساعدت فرخ خان امین الدوله از ناصرالدین شاه می گیرند.

استویک گوید: (۱)

این امتیازات را من خود تهیه نموده قبلاً فرخ خان و میرزا سعیدخان هر دو را با خود همراه کرده بودم و همان روز که در حضور شاه بودم بشخص شاه تقدیم داشتم و عصر همان روز امضاء شده برای من فرستاده شد، و يك چنین کار بزرگ که سالها مشغول مذاکره آن بودند من در يك روز با امضاء رساندم (۱)

این امتیاز که درشش ماده بود در ۱۷ دسامبر ۱۸۶۲ در طهران بصحة شاه رسید و درششم فوریه ۱۸۶۳ دولت اعلیحضرت ملکه انگلستان آنرا تصدیق نمود، این است اولین امتیاز سیم تلگرافی:

فصل اول - دولت ایران لازم می داند که از خانقین بطهران و از آنجا بپندر بوشهر يك خط تلگرافی بلا تأخیر ممتد نماید و قبول می نماید که هر وقت دولت

(۱) استویک گوید: من با مهندس آلمانی که در خدمت دولت ایران بود دراجع با احداث سیم تلگرافی مذاکره نمودم. بمن جواب داد طهران بلوله آب بیشتر احتیاج دارد تا بسیم تلگرافی. این مهندس باید گاستگر General Gasteiger Khan باشد که مأمور ساختن راه مازندران بود. در جلسه سوم مرآت البلدان صفحه ۳۲

(۲) نظامنامه ضمیمه اولین امتیاز در جلد دوم مرآت البلدان صفحه ۴۲ ضبط است.

انگلیس لازم داشته باشد مجاز باشد که توسط صاحبمنصبان تلگرافخانه ایرانی به رخصت که صلاح داند باسیم مزبور مخایره نماید و قیمت آنرا بمیزانی که بعدها معین می شود ادا کنند.

فصل دوم - دولت ایران برای ساختن این خط تلگراف و اتباع ملزوماتی که در ایران یافت نمی شود و نیز بجهت اتباع لوازماتی که در اروپا بهتر تحصیل می شود مبلغ مکفی معین خواهد نمود.

فصل سوم - دولت ایران تعهد می نماید که تمام ملزوماتی که در اروپا بهتر تهیه می شود از دولت انگلیس اکتیاع کند و دولت انگلیس هم قبول می کند که این ملزومات را بقیمت معتدله تهیه نماید.

فصل چهارم - محض آنکه خط مزبور خوب ساخته شده بطور صحیح کار کند، دولت ایران قبول می کند که این خط را تحت نظارت یک نفر صاحبمنصب و مهندسین انگلیسی بگذارد که حقوق او را دولت انگلیس ادا خواهد نمود و نیز دولت ایران قبول می نماید که مدتی معین نماید برای این که در ظرف آن تعلیمات داده شده و خط تلگراف بطور صحیح دایر شود. نواب اشرف والا اعتراض السلطنه وزیر علوم و جناب امین الدوله از اقدامات صاحبمنصب مزبور مستحضر خواهند بود.

فصل پنجم - صاحبمنصب انگلیسی اختیارات تامه خواهد داشت که هر نوع آلات و ادوات برای اینکار لازم داند از کارگزاران دولت علیه مطالبه کند و مشارالیهم آنچه را که صاحبمنصب مزبور میخواهد نباید تغییر دهند مگر در صورتی که تحصیل آن غیر ممکن باشد، لیکن یک نفر صاحبمنصب ایرانی همه جا با مشارالیه همراه خواهد بود، محض اینکه از گزارشات و از قیمت ملزومات مزبوره مطلع شود و در رأس هر سه ماه شاهزاده معظم الیه و امین الدوله بصورت های حساب رسیدگی نموده پس از آن شرحی در روزنامه رسمی طهران بطبع خواهد رسانید.

فصل ششم - محض از دیاد روابط دوستی بین دولتین و برای پیشرفت این امر، دولت انگلیس متعهد می شود که ملزومات این کار را با تصدیق وزیر مختار ایران و بقیمت عادلانه در انگلستان خریداری و بفرستد ایران حمل نماید و قیمت آنرا پس از

تحويل در سرحد در پنج سال. به پنج فسط از دولت ایران دریافت کنند، دولت علیه این معاهده را قبول می نماید و اگر دولت انگلیس مایل باشد برواق شرایط مذکوره فوق شروع بساخت خط تلگراف خواهد شد.

بتاریخ ۶ فوریه ۱۸۶۳ دولت اعلیحضرت ملکه انگلستان تصدیق و قبول نمود. (۱)

در همین سال، یعنی در ۲۸ نوامبر ۱۸۶۳ (مطابق ۱۷ جمادی الثانی ۱۲۸۰) قرارداد تلگرافی در تحت ۱۲ ماده بین دولتین ایران و عثمانی منعقد گردید. قرارداد دیگری راجع باتصال سیم تلگرافی در همان سال در ششم ذیحجه منعقد گردید و برای تکمیل آن، قرارداد دیگری در ششم رجب ۱۲۸۱ در باب نقطه اتصالی سیم دایر گردید که هر سه این قرار دادها در مجموعه معاهدات درو زبان فارسی و ترکی ضبط شده است.

اما در قسمت بلوچستان برای کشیدن سیم کناره از جامک بکراچی مقارن همان اوقات که با ایران مشغول مذاکره بودند عمال سیاسی انگلیس در بلوچستان نیز مشغول بودند و داشتند يك دولتی باسم امارت کلات حاضر می نمودند.

من هنگامی که قسمت های راجع بوانح و اتفاقات سیاسی سیستان، بلوچستان و خلیج فارس برسم، در موضوع بلوچستان مشروحاً صحبت خواهم نمود؛ فقط در اینجا موضوع کشیدن سیم تلگراف است که در این تاریخ در بلوچستان نیز این قبیله جریان داشت، چه، عبور سیم تلگراف بین لندن و هندوستان دولت انگلیس را در امور مملکت بلوچستان نیز علاقمند نموده بود.

در سال ۱۸۶۱، فردريك گلد اسمید (بعدها فرصت زیادی خواهم داشت از این شخص صحبت کنم) مأمور شد برای دایر کردن خط سیم تلگرافی از کراچی تا کوادر و از آنجا تا جامک نقشه برداری نموده باخان کلات و رؤسای قبایل سرحدی و ساحلی مکران داخل در قرار داد شود که سیم تلگرافی را که بزودی از آن نواحی عبور خواهد نمود حفظ کند.

در ۲۱ دسامبر ۱۸۶۱ قرارداد ذیل را که من خلاصه آنرا در اینجا ذکر خواهم نمود با جام میرخان که تحت نفوذ خان کلات بوده برقرار کرد، در مقدمه آن می نویسد:

« نظر باین که تصمیم گرفته شده خط سیم تلگرافی تا هندوستان ممتد شود و فعلا نیز بین انگلستان و سایر ممالک اروپا و آسیا مخابرات تلگرافی برقرار شده است و خط تلگرافی از استانبول تا بغداد کشیده شده و از آنجا از وسط مملکت ایران عبور نموده از راه بلوچستان بکراچی خواهد رسید، از آنجائی که این اقدام برای نفع عمومی است لذا لازم است که اقدامات عملی نموده برای حفظ آن پیش بینی های لازم بشود، بنابراین از جانب جناب حکمران بمبئی مازور فردریک گلداسمید برای انجام این مقصود معین و فرستاده شده که قرارداد و مذاکرات لازمه را باروسا و قبایل بین کراچی و گوادر بعمل آورد، اینک چون موازی ۲۴۰ میل از این سیم از خاک جام میرخان امیر لاس بیلا^(۱) عبور می کند مازور گلداسمید مزبور از طرف دولت انگلیس با اطلاع و رضایت هم عهد و متحد خود خلداد خان فرمانروای دارالسلطنه کلات قرارداد ذیل را با جام میرخان برای حفظ و نگهداری سیم تلگراف بین محل های فوق الذکر مقرر می دارد:

فصل اول - آنچه که لوازم سیم کشی بین رودخانه هوب^(۲) و خوس-کولموت^(۳) وارد شود از طرف اولیای محل مساعدت های لازمه برای حمل آنها به محل سیم کشی خواهد شد و کرایه معمولی پرداخت بشود.

فصل دوم - در بنای تلگرافخانه در دو محل ذیل ساخته خواهد شد، یکی در سومیانی، دیگری در ارومارا.

فصل سوم - اشخاصی که برای حفظ سیم و مخابرات در امتداد خط سیم مقیم خواهند بود در حمایت و حفظ اولیای محلی هستند.

فصل چهارم - سالیانه ده هزار روپیه توسط نماینده سیاسی بدجام میرخان بیلا برای حفظ خط سیم داده خواهد شد.

(1) Lua Beyla

(2) Hubb

(3) Khos Kulmut

فصل پنجم - در باب امنیت و نگاهداری سیم است .

فصل ششم - مقرری سالیانه وقتی داده می شود که اقلاً پنجاه میل خط سیم کشی

شده باشد .

فصل هفتم - راجع بشکایت هائی است که از عمال تلگرافخانه می شود .

فصل هشتم - مقرر است که هر گاه بخط تلگرافی صدغه وارد شود و یاخرایی

برسد از طرف دولت انگلیس این قرارداد لغو خواهد شد . اشها .

فرمانفرمای کل هندوستان قرارداد فوق را در ۹ اوت ۱۸۶۲ تصویب نموده است (۱)

در ۲۴ ژانویه ۱۸۶۲ قرار دیگری با فقیر محمد نایب کج (۲) توسط مازور

گلداسمید در يك فصل بسته شده .

خلاصه آن اینکه بر حسب دستور والاحضرت خان کلات فقیر محمد در حضور

مازور گلداسمید حاضر شده با حضور رئیس رحمت اللہ خان نماینده والاحضرت خان

کلات و مازور گلداسمید عهددار شد هر گاه دولت انگلیس تصمیم بگیرد که خط سیم

تلگرافی در ساحل مکران بکشد و تمام سعی و کوشش خود را در حفظ و نگاهداری

آن از بندر کولموت تا بندر گوادر بکار خواهد برد و اشخاص لازم برای حفظ آن

معین خواهد نمود ، در مقابل يك مبلغ بنام مقرری که دولت انگلیس میزان آن را

معین کند خواهد گرفت .

قرار داد دیگری با خود خدا داد خان ، خان کلات در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۸۶۳ در

دخسل برای کشیدن سیم تلگراف بسته شد که در مقابل يك مقرری بمیزان پنج هزار

رویه سالیانه بنام کلات پرداخت شود و خان مذکور حفظ سیم ساحل مکران را بعهده

خواهد گرفت .

قرارداد دیگری تحت يك ماده با دو نفر از معروفین قبائل باهو و دوستیاری

که بین کج و چاه بهار بودند توسط گلداسمید بسته شد ، دین محمد و محمد علی نامان

(۱) خلاصه شده از جلد نهم مباحثات و قرار دادهای دولت هندوستان با مسالک مجاور

صفحه ۴۰۶ تا ۴۰۳

(۲) کج قله است در جنوب بلوچستان

که سالیانه بهر يك در مقابل حفظ خط سیم تلگرافی از کج تا چاه بهار مبلغ یک هزار روپیه پرداخت شود. (۱)

این بود خلاصه اقدامات دولت انگلیس که در سال ۱۸۶۳ در ایران، عثمانی و بلوچستان برای کشیدن سیم تلگراف بین لندن و هندوستان بعمل آورد، ولی طولی نکشید که قرارداد جامعی بین دولتین ایران و انگلیس در ۱۹ ماده راجع بـتلگراف برقرار گردید.

این قرار داد تلگرافی در چهارم رجب ۱۲۸۲ (مطابق ۲۳ نوامبر ۱۸۶۵) با نمایندگی میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه و مستر الین وزیر مختار دولت انگلیس برقرار گردید من در اینجا بمواد مهم آن اشاره می کنم :

فصل اول - سیم ثانی به پایمه های تلگرافی بین بو شهر و خانقین اضافه می شود .

فصل دوم - انجام این کار بعهده مهندسین انگلیسی خواهد بود .

فصل سوم - دولت انگلیس قبول می نماید که هر قدر سیم و مقراء و ادوات مرسی

و غیره لازم است، بملاوه دو بیست عدد ستون آهنی بقیمت عادلانه بدهد و قیمت آنرا در مدت پنج سال در پنج قسط دریافت دارد .

فصل چهارم - دولت ایران قبول مینماید يك نفر صاحب منصب انگلیسی با اتباع

لازمه که عنه آنها بغیر از کسانی که متجاوز از پنجاه نفر نباشد از تاریخ افتتاح سیم برای

مخاطره الی پنج سال اجیر شود و دولت انگلیس قبول مینماید پس از ۴ سال صاحب منصب

مزبور و اتباع او سیم مذکور را بدولت ایران تسلیم کرده و ارتباطی بانلگراف ایران

نداشته باشند . مواد دیگر آنرا راجع به تشریفات اداری و نرخ مخاطرات و تعیین تکالیف

طرفین است .

در فصل هیجدهم مینویسد: این قرار داد از روز افتتاح مخاطره سیم ثانوی بموقع

اجراء گذاشته شده و از روزیکه اولین تلگراف با سیم مزبور مخاطره میشود الی پنج سال

مرعی و برقرار خواهد بود و بعد از انقضای مدت مزبور منسوخ و از درجه اعتبار ساقط است .

اگر قبل از انقضای مدت مقرره مهارت تلگرافچیان ایرانی در کار خود مقبول نظر رئیس

(۱) جلدنهم معاهدات و قرار دادها راجع به هندوستان و ممالک مجاور ، صفحه ۴۰۵

تلگراف ایران و صاحب‌نصب انگلیسی گردیدندت مزبوره تخفیف داده شد و سیم کلیتاً بدولت علیه واگذار میشود. امضاء الیسن و میرزا سعیدخان،^(۱)

در سال ۱۸۷۲ مطابق ۱۲۸۹ هجری، بین میرزا سعید خان وزیر امور خارجه ایران و مستر رونالد طامسن وزیر مختار انگلیس موافقت حاصل شد که قرارداد تلگرافی سال ۱۸۶۵ که در ۱۲ اوت ۱۸۷۲ مطابق پنجم جمادی الثانی ۱۲۸۹، منقضی میشد تا سه ماه دیگر امتداد پیدا کند، هرگاه تا سه ماه دیگر قرارداد دیگری برقرار نگردد، قرارداد سابق و این نوشته فعلی برای مدت سه ماه هر دو باطل و خالی از اعتبار است^(۲)

ولی طولی نکشید که قرارداد دیگر جانشین قرارداد ۱۸۶۵ شد و این دفعه در بیست و هفتم و در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۸۷۲ میلادی (مطابق ۱۲۸۹ هجری) بسته شد و تا سال ۱۸۹۵ منتهی شد. در مقدمه این قرارداد مینویسد:

«چون اعلیحضرت پادشاه کل ممالک ایران و اعلیحضرت ملکه ممالک مجتمع بر بریتانیای کبیر و ایرلند مایل هستند ترتیباتی که برای مخایرات مابین هند و اروپا از خاک ایران بعد لول عهد نامیجات سابقه مقرر شده است کما فی السابق در حال ایقا باشد. عزم نمودند که برای حصول این مقصود قرار نامه منعقد شود. لهذا و کلاهی مختار خود را به تفصیل ذیل معین داشتند:

ملکه انگلستان رونالد طامسن و پادشاه ایران میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه،
در فصل اول مینویسد به دورشته سیم فعلی بین طهران و بندر بوشهر یک رشته سیم دیگر علاوه می شود و بجای تیرهای چوبی موجوده ستون های آهنی نصب خواهد شد. دولت انگلیس قبول مینماید که این ستونهای آهن را از قرار سالی پانصد عدد نصب کند و دولت ایران متعهد میشود که در عوض مخارج این ستونهای آهن مبلغ ده هزار تومان بده قسط سالیانه بدولت انگلیس تأدیه کند.

(۱) نقل از مجموعه قراردادها. صفحه ۷ تا ۱۶

(۲) نقل از جلد دهم معاهدات و قرار دادهای حکومت هندوستان بادیول مجاور

در **فصل دوم** بمعاهده پاریس^(۱) اشاره میکند که دولت ایران تعهد نموده از اتباع دولت انگلیس در ایران حمایت کند، بنابراین اعضاء تلگرافخانه انگلیسی را باید در تحت حفظ و حمایت مخصوص کارگزاران محلی بگذارد.

فصل سوم راجع بانمام رشته سوم سیم است که بمخابرات داخلی ایران اختصاص داده میشود.

فصل چهارم همینطور.

فصل پنجم و ششم نیز راجع باهور تنظیم سیمها است.

در **فصل هفتم** عایدات مخابرات داخلی است که متعلق بدولت ایران میشود.

فصل هشتم نیز راجع بمخابرات خارجی است و حقوق دولت ایران در این قسمت.

فصل نهم تا فصل سیزدهم راجع به نظامات و تکالیف ناظرین و مستحفظین سیم

است.

در **فصل چهاردهم** مینویسد، چون محقق شده است که در ۳۱ دسامبر ۱۸۶۹ قرض

دولت ایران بدولت انگلیس از بابت مخارج احداث و لوازمات سیم دوم و از جهت چند

فقرات راجع باحداث سیم اول و نیز از بابت مواجب مستحفظین مبلغ یکصد و پانزده

هزار و هفتاد و نه تومان و هشت هزار دینار یعنی چهل و هفت هزار و دو سست و چهل و هفت

لیرة انگلیسی است دولت انگلیس قبول مینماید که این مبلغ را بدون مراجعه در ۲۴

سال به ۲۴ قسط متساوی از کمپانی هند و اروپا دریافت دارد.

فصل پانزدهم معاف بودن لوازم سیم از حقوق گمرکی است.

در **فصل شانزدهم** مینویسد؛ این قرار نامه مخصوصاً راجع بسیم طهران الی

بوشهر است ولی اگر رئیس انگلیسی مصلحت دانست که رشته سیم تهران خانقین را هم

مجدداً بر عهده گیرد این قرار نامه در مورد آن نیز مجری بوده و در این صورت در باب

تعرفه خط طهران الی خانقین و طرز محاسبات آن مابین ادارات انگلیسی و ایران قرار

مخصوص داده خواهد شد؛

(۱) معاهده ۱۲۷۳ هجری قمری مطابق ۱۸۵۷ میلادی که بین ایران و انگلیس در

پاریس بسته شد.

فصل هفدهم - هر گونه اختلافاتی که مابین اجزاء تلگرافی دولتیین بروز می‌تواند بوزیر امور خارجهٔ ایران و نمایندهٔ دولت انگلیس در طهران رجوع خواهد شد که در مورد آن حکم دهند .

فصل هیجدهم - این قرارنامه از روز مبادلهٔ تصدیق‌نامه‌جات مجرا بوده و تا اول ماه ژانویه سنهٔ ۱۸۹۵ برقرار خواهد بود .

در این تاریخ اجزاء انگلیسی تمام خط سیم رادر هر جائیکه بوده باشد بانضمام ستونهای آهن ورشتهٔ سوم بدولت ایران واگذار کرده و پس از آن هیچگونه مداخله در تلگراف ایران نخواهد داشت .

فصل نوزدهم - پس از احداث سیم سوم، دولت انگلیس مختار است که وقتاً من‌الاقوات قبل از انقضای مدت این قرارنامه بشرط اینکه شش ماه قبل اعلام کرده باشد خط سیم را بهمان حالتیکه هست بدولت ایران واگذار نمود و صاحب منصبان و اجزاء خط را از مملکت ایران برداشته و از آن تاریخ به بعد در تلگرافخانهٔ ایران بهیچ وجه دخالتی نداشته باشد .

فصل بیستم - راجع به تصدیق قرارنامه است - دوم ماه دسامبر ۱۸۷۲ میلادی (برابر ۱۲۸۹ هجری قمری) - آنها .

این قرارنامه در سال ۱۸۸۷ باز تجدید شد و بامضاء **میرزا یحیی خان مشیرالدوله** از طرف دولت ایران و **نیکل سن** (۱) شارژ دافر دولت انگلیس تا ۳۱ ژانویه ۱۹۰۵ ممتد گردید . ایضاً در تاریخ ۷ ژانویه ۱۸۹۲ (مطابق ۶ جمادی الثانی ۱۳۰۹ هجری) بامضاء **امین السلطان و فرانک لسل** (۲) وزیر مختار انگلیس الی ژانویه سال ۱۹۲۵ امتداد داده شد .

بنا بشرحیکه در فوق گذشت ، یک قرار داد ساده درشش‌ماده برای مدت پنج‌ماه که در سال ۱۸۶۳ برای احداث سیم خط خانقین بطهران و از طهران الی بندر بوشهر بسته شده بود بمرور به مدت و قرارداد آن افزوده شد و تا سال ۱۹۲۵ دنباله پیدا نمود .

این قراردادها منحصر باینها نبوده در قسمت‌های دیگر نیز چندین قرار دادها

(1) Sir Arthur Nicolaon (2) Sir Fank Lascelles .

بسته شد و بمدت آنها بمرور زمان افزوده گردید که بهر يك از آنها مختصر اشاره‌ای خواهم نمود .

بعد از معاهده ۱۸۶۵ برای ایجاد سیم تلگراف ، يك قرار داد دیگر راجع بسیم تحت البحری در خلیج فارس در دوم اپریل ۱۸۶۸ (برابر ۱۲۸۴ قمری) در چهار فصل برای امتداد سیم تلگراف از گوادر الی نقطه بین جاسک و بندر عباس بین دولتین ایران و انگلیس برقرار شد .

در این قرار داد بعد از يك مقدمه طویل مینویسد :

« چون پادشاه ایران و ملکه انگلستان مایل هستند وسایل مخابرات تلگرافی بین هندوستان و اروپا توسعه داده شود و اسباب حفظ آن فراهم گردد ، تصمیم عزم نمودند که برای حصول این مقصود قرار نامه منعقد سازند ، معیناً و کلاً ممتاز خود را از قرار ذیل مأمور فرمودند : از طرف ملکه انگلستان چارلز الیسن (۱) و از طرف پادشاه ایران میرزا سعید خان وزیر امور خارجه .

فصل اول - محض اینکه در صورت حدوث سازه و آسیب به سیم تحت البحری خلیج فارس ، در مخابرات تلگرافی تعطیلی بوقوع نرسد ، مابین دولتین مقرر بود که دولت انگلیس ترتیبات وقراری خواهد داد که يك خط تلگرافی از گوادر الی نقطه بین جاسک و بندر عباس احداث و بطور صحیح دایر شود .

فصل دوم - برای تسهیل احداث این سیم و محض نگاهداری و حفظ آن دولت ایران مساعی جمیله و اقتدار خود را حتی المقدور معمول و منظور خواهد داشت و دولت انگلیس از بابت اجازه امتداد سیم تلگراف در سواحل و اماکنی که در تحت مملکت و تسلط ایران است هر ساله مبلغ سه هزار تومان بدولت ایران خواهد پرداخت . مبلغ مزبور از روزیکه شروع بکشیدن این سیم میشود تأدیه خواهد شد .

فصل سوم - این قرار نامه برای مدت بیست سال مرعی و مہجری میباشد .

فصل چهارم - این قرار نامه تصدیق شده و تصدیقنامهجات آن در ظرف پنجماه و حتی الامکان زودتر در طهران مبادله خواهد شد ، طهران دوم اپریل ۱۸۶۸ (بیستم

ذی حجه ۱۲۸۴) .

این قرار داد نیز دو مرتبه تجدید گردید ، یکی در سال ۱۸۸۷ میلادی (۱۳۰۴ قمری) که تا ژانویه ۱۹۰۵ میلادی (۱۳۲۲ قمری) ممتد شد . بار دیگر هم در تاریخ ۱۸۹۲ میلادی (۱۳۰۹ قمری) بود که تا ۳۱ ژانویه ۱۹۲۵ میلادی (۱۳۴۴ قمری) ادامه داده شد . تجدید اولی با امضاء یحیی خان مشیرالدوله است ، تجدید ثانی با امضاء امین السلطان میرزا علی اصغر خان .

علاوه بر قرار دادهای فوق چند فقره قرار نامه های دیگری در ادوار مختلف با دولت ایران برقرار نمود که من بهر يك از آنها نیز مختصر اشاره ای میکنم .
در سال ۱۸۸۷ میلادی (۱۳۰۴ قمری) قرار دادی راجع به توسعه محل تلگرافخانه جاسک برقرار نمود که با امضاء مرحوم امین السلطان رسیده است .
در این قرار داد مینویسد :

« بمناسبت حدود محل تلگراف خانه جاسک ، نظر با اطلاعاتیکه بدولت ایران و سفارت انگلیس در طهران رسیده است ، در نتیجه ، تصمیم ذیل در تاریخ دوم جمادی الثانی ۱۳۰۴ هجری قمری (مطابق ۲۵ فوریه ۱۸۸۷ میلادی) اتخاذ میگردد ، از آنجائیکه محل تلگرافخانه فعلی در يك مساحت ۳۰۰ ذریعی واقع شده است ، بآن مساحت ، شصت ذرع دیگر از طرف شمالی بنای تلگرافخانه ضمیمه میگردد ، باین ترتیب که ۴۰۰ ذرع از دیوار محل فعلی که بین این دیوار و محل تلگرافخانه است بمیزان ۲۰۰ ذرع هم علاوه مینمایند که جمعاً از انتهای دماغه محل تلگرافخانه تا آخرین حد آن ۹۰۰ ذرع باشد و در انتهای این ۹۰۰ ذرع يك دیوار سیمی که شاخص حدود فوق الذکر باشد کشیده میشود و جاکم جاسک به هیچ وجه مجاز نخواهد بود که در داخله آن حدود دخالت کند و بعلاوه چون چاه آب محل تلگرافخانه در فاصله ۱۰۰۰ ذریعی حدود محل تلگرافخانه واقع شد است لذا مقرر شد که چاه آب از چاه به نقطه حدود تلگرافخانه محفوظ باشد که کسی نتواند بنائی در آن بسازد یا خراب کند و یا اینکه در آنجا دخالت داشته باشد . اما در باب خود چاه و محافظت آن موافقت شد که يك دیوار در اطراف آن که دایره آن یکصد ذرع باشد ساخته شده عمارت گمرک و سایر بناهای دولتی

ایران باید خارج از این حدود باشد که در آن باب بین میر قنک و ملک التجار موافقت حاصل شده است و ضمناً موافقت حاصل است که صاحب منصبان تلگرافخانه و بستگان آنها و نوکرهای موجب بگیر آنها از تأدیه حقوق گمرکی معاف باشند و هم چنین مقررات آنوقته برای اعضاء تلگرافخانه از قبیل برنج، روغن و هیزم که از داخله برای مصرف خودشان حمل میکنند از مالیات و راهداری معاف است و مقرر است هرگاه از سکنه جامک که غیر از نوکرها و بستگان نوکرهای تلگرافخانه است بخواهند در محل تلگرافخانه بست نشینند اولیاء تلگرافخانه حق ندارند با آنها پناه بدهند بلکه آنها را از خودشان خارج نموده بچاکم جامک تسلیم خواهند نمود.

هرگاه تجار داخلی یا خارجی در داخله حدود تلگرافخانه دکان یا تجارتخانه داشته باشند، میبایست حقوق گمرکی مال التجاره خود را که وارد و صادر میکنند بپردازند. امضای نیکلسن و امین السلطان میرزا علی اصغر خان در خاتمه این قرارنامه وزارت امور خارجه علاوه میکند:

« آنچه که حضرت اشرف آقای امین السلطان وزیر مالیه و وزیر دربار نوشته است صحیح و در دفتر وزارت امور خارجه دولت ایران ثبت گردید، دوم جمادی الثانی ۱۳۰۴ مهر وزارت امور خارجه. » (۱)

قرار داد تلگرافی دیگری در تاریخ ۱۶ اوت ۱۹۱۰ (مطابق ربیع الثانی ۱۳۱۹) برای احداث خط تلگراف مابین طهران و سرحد بلوچستان بین دولتین ایران و انگلیس منعقد گردید. این قرارداد در ماده ۱۲ است و باعضاء هاردینگ (۲) و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله است و این قرارداد برات احداث سه رشته سیم از کاشان به یزد، کرمان و بلوچستان است و مدت آن نیز ۲۵ سال میباشد و شرایط آن موافق با شرایط قرار داد تلگرافی ۱۸۷۲ میباشد. (۳)

(۱) نقل از کتاب معاهدات - جلد دهم

(2) Sir Arthur Hardinge

(۳) بکتاب مجموعه معاهدات صفحه ۷۰ و سالنامه شماره اول اداره تلگرافی مال

۱۲۹۹ هجری شمسی مراجعه شود (صفحه ۹۲)

قرار داد دیگری راجع به تلگراف در تاریخ ۱۳ ماه می ۱۹۰۵ میلادی (مطابق هشتم ربیع الاول ۱۳۲۳ هجری) به نمایندگی میرزا نصراله خان مشیرالدوله و سر هاردینگ راجع به سیم تلگراف بندر عباس و هنگام بر قرار گردید، این قرار داد در چهار ماده تنظیم شده.

در فصل اول مینویسد، چون دولت علیه ایران قصد کرده اند که تلگرافخانه هند و اروپا را در جزیره هنگام بوسیله احداث خط تلگرافی با بندر عباس از راه قشم وصل نمایند و چون دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با اداره تلگراف هند و اروپا اجازه داده اند که مهندسین و آلات و اسباب لازمه احداث خط مزبور را بدهند، چنین قرار شد که موقتاً دو نفر مهندس اروپائی با اجزاء و کارگرانی که برای این مقصود لازم است با اداره مزبور بدهد و جهاز سیم کشی متعلق با اداره مزبور بهر زودی که مقتضی فصل باشد در محل حاضر شود و تا اتمام دو کابل تحت البحر فی مابین هنگام و قشم و قشم و بندر عباس مشغول باشند و بعد از انجام کار بروند.

فصل دوم - بمجرد اینکه خط تلگراف با تمام رسید و مخارج آلات و ادوات و همچنین مخارج مهندسین و سیم کشی ادا گردید خط مزبور تسلیم وزارت تلگراف ایران خواهد شد و یک تلگرافخانه هم دولت علیه در هنگام بمخارج خود خواهند ساخت و تلگرافی ایرانی قرار خواهند داد و سیم بندر عباس هم به تلگرافخانه ایران در هنگام وصل خواهد شد و هر مطلبی راجع به مخارج که از بندر عباس میرسد و توسط تلگرافخانه انگلیسی در هنگام باید مخایره شود تلگرافخانه ایران مطلب را گرفته فوراً به تلگرافخانه انگلیسی خواهد داد.

فصل سوم - مخارجی که اداره تلگرافی هند و اروپا بجهت خدمات مهندسین و جهاز سیم کشی محسوب خواهد داشت زیاده از هفتاد و پنج هزار روپیه نخواهد بود و ادای این وجه را دولت ایران بعهده میگیرد.

فصل چهارم - اظهارات دولت ایران که رعایای خارجی یعنی غیر از ایرانی را در کار این خط مستخدم نخواهند داشت دولت ایران را ممنوع نمیدارد از اینکه با اجرت متداول در رعایای خارجی را که در خدمت اداره تلگرافخانه هند و اروپا میباشند

برای هرگونه تعمیر سیم‌های تحت‌البحری با سایر کارهایی که بجهت نگاهداری و حفظ خط تلگراف لازم است استخدام نماید و هم چنین دولت مشارالیه را ممنوع نخواهد داشت از اینکه اجازه دهد در صورتی که دولت انگلیس لازم بداند یک نفر تلگرافچی انگلیسی در تلگرافخانه بندرعباس تلگرافات دولتی را که از طرف دولت انگلیس به قونسولگری آن دولت در بندرعباس گفته میشود و یا از قونسولگری مزبور صادر میگردد مخایره نماید - آنها (۱)

قرارداد دیگری در ۲۵ محرم ۱۳۳۱ باعضاء آقای مستشارالدوله راجع به سیم تلگراف عربستان (خوزستان) برقرار شده است ، این قراردادنامه بشکل یک مراسله برئیس کل اداره تلگراف دولت فخریه انگلیس نوشته شده و در آن نامه قراردادنامه فوق را که در تاریخ ۲۵ ذیحجه ۱۳۳۰ به تصویب هیئت دولت رسیده است تذکر میدهد ، چون مربوط به عملیات آن ایام و راجع بموضوع تلگراف است در این جا عیناً نقل میشود:

ریاست کل اداره تلگراف دولت فخریه انگلیس ؛ در جواب مراسلات آن جناب راجع بمرمت سیم خطوط عربستان و تعویض تیرهای چوبی بچدنی آنخط زحمت میدهم ، چون قراردادنامه راجع باین خط که در ۲۸ جمادی الاول ۱۳۲۷ مشتمل بر ده فصل تنظیم شده میباشد به تصویب مجلس شورای ملی برسد ، آتوقت بموقع اجرا گذارده شود ، تاکنون به تصویب مجلس نرسیده محض اینکه مرمت خطوط مزبوره بتأخیر نیفتد و در این زمستان و بهار آینده این کار انجام یابد نظریات خود مرا با اصلاحاتی که در فصول قراردادنامه سنه ۱۳۲۷ لازم میدانم پیشنهاد هیئت دولت نموده با تصویب آن هیئت محترمه موافق همین مشروحاً رسمی اجازه داده میشود که اداره تلگراف دولت فخریه انگلیس موافق فصول قراردادنامه که در ذیل این ورقه مندرج است بدون فوت وقت اقدام بمرمت و امتداد سیم خط عربستان با تیرهای چدنی نماید که برای اواخر بهار این سیم کشی تمام شود ، بعد از آنکه مجلس شورای ملی منعقد گردید قراردادنامه سنه ۱۳۲۷ با اصلاحاتی که در فصول آن قراردادنامه اینجانب با تصویب هیأت دولت بمعمل آوردم و در این ورقه مندرج است پیشنهاد مجلس شورای ملی خواهد شد، بجز فصل سوم که راجع به تمدید مدت سه فقره قراردادنامه های سابقه است و حالیه

(۱) نقل از سالنامه اداره تلگراف، شماره اول سال ۱۳۹۹ هجری شمسی، صفحه ۹۶.

تصویب میشود و در باب باقی فصول و شرایط هر قسم به تصویب مجلس شورای ملی رسیدار همان قرار دولت علیه ایران با اداره تلگراف دولت فخیمه انگلیس رفتار خواهد نمود، مسلم است مادامیکه مجلس شورای ملی منعقد نشده است وزارت تلگراف با اداره تلگراف انگلیس موافق مندرجه در این ورقه که به تصدیق هیئت دولت رسیده است رفتار خواهد کرد.

فصل اول - محض ترقی مخابرات تلگرافی مابین ایران و جهان و محصره و فیما بین ایران و دزفول چنین مقرر گردید که از تاریخ امضای این قرارنامه، در تحت ریاست و نظارت رئیس کل اداره تلگراف دولت فخیمه انگلیس یک رشته سیم با ستونهای خطچدنی از **برازجان** به **اهواز** و از **اهواز** به **دزفول** کشیده شود که سیم خط شیراز و بوشهر وصل شده مطالب تلگرافی خط عربستان بتواند بمرکز طهران و بوشهر مخابره شود.

فصل دوم - دولت انگلیس قبول مینماید که از بابت مخارج تأسیس و برقرار کردن تلگراف خطوط مزبوره فوق از قبیل تیرهای چدنی و سیم و مقره و غیره آنچه لازم است تا مبلغ پنج هزار لیره از خود مجانی بدهد و همچنین سالی سیصد لیره از بابت مخارج نگاهداری خطوط مزبوره از شروع باین کار تا سنه ۱۹۴۵ میلادی بدهد بعد از اتمام کار که تعیین کلیه مخارج این سیم کشی شد پس از وضع پنج هزار لیره و سالی سیصد لیره که در همین فصل تا سنه ۱۹۴۵ بر عهده دولت انگلیس است و از بابت بقیه مخارج این سیم کشی محسوب خواهد شد چنانچه باز دولت انگلیس موافق تشخیص وزارت تلگراف طلبکار باشد بر عهده دولت علیه ایران خواهد بود که تا سنه ۱۹۴۵ عاید دارد.

فصل سوم - در ازاء مخارج مذکور در فصل دوم که دولت فخیمه انگلیس مجاناً برای احداث و نگاهداری خطوط مزبوره مینماید، دولت علیه ایران قبول مینماید که قرارنامههای ذیل را تا اول ژانویه سنه ۱۹۴۵ میلادی برقرار و لازم الاجرا بداند.

قرارنامه تلگرافی مورخه ۲ ماه آوریل ۱۸۶۸ میلادی.

قرارنامه تلگرافی مورخه ۲ دسامبر ۱۸۷۲ میلادی.

قرارنامه مورخه ۱۶ ماه اوت ۱۹۰۲.

فصل چهارم - مواجب تلگرافی و سایر عملیات از قبیل غلام و فرانس و

سیمکش و دستگاه و قوه و اجاره تلگرافخانه بعهده اداره تلگراف دولت علیه است .

فصل پنجم - بجهت اینکه همیشه خط مزبور دایر باشد رئیس اداره تلگراف

دولت فخیمه انگلیس با تصویب وزارت تلگراف بکنفر سیمکش بجهت رسیدگی بامورات حفظ خط تا سنه ۱۹۴۵ معین مینماید ، غلامان مستحفظ این خط که ایرانی هستند در تحت حکم این سیمکش خواهند بود ، حقوق و مخارج این سیمکشی را قبل از شروع بکار، وزارت تلگراف با موافقت رئیس اداره تلگراف دولت فخیمه انگلیس معین خواهد نمود .

فصل ششم - وزارت تلگراف در نقاط مرکزی این خط همیشه اوقات بکنفر

تلگرافی ایرانی که زبان خارجه بدانند معین خواهد نمود که مطالب تلگرافی بین المللی را گرفته مخا بره نماید .

فصل هفتم - دولت علیه ایران قبول مینماید که در تلگرافخانه های مزبوره بدون

موافقت با رؤسای تلگرافی دولت انگلیس کسی را جز رعایای ایران یا اجزاء اداره تلگرافی انگلیس مستخدم ننماید .

فصل هشتم - چنین مقرر گردید که هرگاه تا سنه ۱۹۴۵ دولت علیه ایران

بخواید این خط عربستان را طرف دیگر امتداد بدهد در صورتی که محتاج بهمراهی خارجی باشد آن همراهی را از اداره تلگرافی دولت فخیمه انگلیس بخواید .

فصل نهم - یکسال قبل از شروع بدسیمکشی اداره تلگرافی دولت فخیمه انگلیس

بکنفر مأموراز وزارت پست و تلگراف خواهد خواست که تا آخر سیمکشی با مأمور سیمکشی همراه باشد کلیه مخارجیکه در این خط میشود با اطلاع آن مأمور خواهد بود .

فصل دهم - در موقع سیمکشی رعایت این مطلب خواهد شد که سیم جدید

با تمام نقاط تلگرافی که فعلاً در این خط موجود است ممتد شود ، اسباب و آلات که فعلاً در این خط موجود است بعد از آنکه يك نقطه بنقطه دیگر وصل شد تماماً جمع

آوری و تحویل مأمور دولت علیه خواهد شد . امضاء **مستشارالدوله** وزیر پست و تلگراف (۱)

قرارداد دیگری در تاریخ ۱۹ برج حوت ۱۳۳۴ مطابق ۹ مارس ۱۹۱۶ در ۱۱ فصل باعضای سردار منصور منعقد شده که راجع بامتداد یک رشته سیم تلگرافی است که سیستان را بخط تلگرافی مرکزی ایران در نقطه نزدیک کوه ملک سیاه واقع در خاک ایران اتصال دهد از آنجائیکه این قسمت نیز دارای اهمیت سیاسی است عیناً آنرا در اینجا نقل میکنم .

مقدمه : نظر باینکه در تاریخ ۱۷ شوال ۱۳۳۲ موافق مراسله رسمی وزارت امور خارجه بسفارت دولت فحیمه انگلیس اجازه امتداد یک رشته سیم تلگرافی از سیستان بکوه ملک سیاه داده شده و در آن مراسله موکول بیک قرارنامه نموده اند که بنمایندگی وزارت پست و تلگراف منعقد خواهد شد ، لهذا فصول ذیل مقرر میشود .

فصل اول - این رشته سیم باید در نقطه نزدیک سرحد ایران و بلوچ ، سیستان را بکوه ملک سیاه اتصال دهد و اداره تلگرافی دولت علیه ایران در آن نقطه تلگرافخانه افتتاح خواهند نمود و سیم تلگرافی در نقطه سیستان و کوه ملک سیاه باید به تلگرافخانه های دولتی ایران وارد و تلگرافچیان ایرانی در مخابرات داخله مختار خواهند بود .

فصل دوم - دولت علیه ایران حق خواهند داشت که مخارج امتداد این رشته سیم را در مدت سی سال بپردازند و پس از آن حق کنترل این خط را خواهند داشت و این در صورتی است که تأدیة کلیه مخارج بعد از وضع دوهزار و پانصد لیره بعمل آمده باشد .

فصل سوم - اگر در هر تاریخی در آتیه لزوم پیدا نماید که یک رشته سیم ثانوی باین خط علاوه شود اولیای اداره تلگرافی هند و اروپا میتوانند بمخارج خودشان این عمل را انجام دهند . و در سنه ۱۹۴۵ این رشته سیم نیز ملک دولت علیه ایران خواهد گردید . مطابق فصل نهم و راجع بمنافع حاصله از مخابرات با این سیم مطابق ترتیبی که در فصل هفتم این قرارداد مذکور است عمل خواهد شد .

فصل چهارم - بجز رعایای دولت علیه ایران و اجزاء تلگرافی هند و اروپا

احدی حق نخواهد داشت که در خدمت این سیم و یا در اداره آن مستخدم شود .

فصل پنجم - اداره تلگرافی هند و اروپا مسئول کنترل سیم و پرداخت مخارج و حفظ این خط خواهد بود که مشتمل بر تعمیرات ، تجدیدات ، برقراری کنترل و پرداخت مواجب غلامان باشد، و در عوض دولت علیه ایران متعهد میشود که: تلگرافات صادره و وارده قونسول انگلیس مقیم سیستان را به مبلغ یکمصد و پنجاه لیره سالیانه مجاناً مخابره نماید .

فصل ششم - حقوق سیم کشی و تلگرافچیان اداره تلگرافی هند و اروپا که بر این خط گماشته میشوند بر عهده اداره مذکور است .

فصل هفتم - منافی که از مخابرات محلی (یعنی از تلگرافاتی که از يك نقطه ایران به نقطه دیگر مخابره شود) حاصل میشود ، کلیتاً متعلق بدولت علیه ایران خواهد بود در خصوص مخابرات بین المللی دولت علیه ایران از تمام مخابرات ترمینالی که از ایران خارج و بایران وارد میشود دو تلت قیمت آنرا دریافت خواهند داشت، و اما راجع بمخابرات ترانزیت چون این خط فقط بطور یدکی استعمال خواهد شد همان ترتیبی که در فصل هشتم معاهده ۱۸۷۲ مذکور شده است عمل خواهد گردید .

فصل هشتم - چونکه خط تلگرافی از عهد به سیستان فقط دارای يك رشته سیم است، بنابراین مفهوم است که این خط وقتی باید برای مخابرات ترانزیتی بین المللی استعمال شود ، که تا حدی لطمه بمخابرات عمومی این خط وارد نیآورد ، و باز فقط وقتی این قسم مخابرات بعمل خواهد آمد که دو رشته سیم حاضره فیما بین ایران و هندوستان بکلی خراب و یا بمخایره با آنها مسنود باشد ، علیهذا هر موقعی که رئیس تلگرافخانه هند و اروپا سیم سیستان را برای مخابره تلگرافات ترانزیت بین المللی لازم داشته باشد ، باید اجازه مخصوص پست و تلگراف را تحصیل نماید .

فصل نهم - وقتی که کنترل این خط بدولت علیه ایران واگذار گردید کنترل آنرا بهیچ دولت و یا کمپانی خارجه واگذار نخواهد نمود. ولی میتواند مجدداً مطابق يك ترتیبی که مرضی الطرفین باشد ، با اداره تلگرافی هند و اروپا واگذار نماید .

فصل دهم - دولت علیه ایران حق خواهند داشت که در سرحد، تلگرافخانه برای خود بنا نمایند، ولی قبل از اینکه تلگرافخانه ساخته شود، کلیه تلگرافاتی که از يك نقطه ایران بنقطه دیگر در ایران با این سیم مختابره و از نقطه رباط میگذرد، مثل مختبرات محلی محسوب خواهد بود.

فصل یازدهم - راپرت انعام امتداد سیم را که مشتمل بر محاسبه کلیه مخارج آن باشد، بهر زودی که ممکن شود باید برای قبول و امضاء بوزارت پست و تلگراف تقدیم بدارند. و از کلیه مخارج ابتدائی این خط دوهزار و پانصد لیره، که در فصل دوم ذکر است موضوع خواهد شد. این قرارنامه که مشتمل بر ۱۱ فصل است در تاریخ ۱۹ برج حوت توشقان ثیل ۱۳۳۴ (مطابق ۹ مارس ۱۹۱۶ مسیحی) بتصویب هیئت محترم وزراء عظام رسیده است و از تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۱۴ (مطابق ۱۵ عقرب و ۱۸ زی الحجة الحرام ۱۳۳۲) که امتداد این سیم با تمام رسیده مدلول این قرارداد لازم الاجرا است.

سردار منصور وزیر پست و تلگراف (۱)

يك قرار نامه دیگری راجع با اتصال سیم تلگراف کرمان به بندرعباس و به بندر لنگه و جاسک و يك رشته سیم از بافت الی سعیدآباد سیرجان در تاریخ ۱۸ برج ثور ۱۲۹۹ هجری شمسی (مطابق ۸ ماه مای ۱۹۲۰) با امضای محاسب الممالک بسته شده چون این نیز دارای اهمیت است عیناً درج میشود اینقرارنامه ۱۲ فصل است:

فصل اول - چون در تاریخ ماه فوریه ۱۹۱۶ (مطابق برج دلو ۱۳۳۴) از طرف رئیس کل اداره تلگراف دولت فخریمه انگلیس راجع با امتداد دورشته سیم تلگرافی با تیر آهنی از کرمان به بندرعباس و از بندرعباس به لنگه و جاسک برای تقویت مختبرات تلگرافی داخله و بین المللی پیشنهادی بوزارت تلگراف شده بود، و قبل از آنکه قرارنامه رسمی از طرف دولت علیه ایران تصویب شود، در تاریخ ماه آوریل ۱۹۱۸ (مطابق برج ثور ۱۳۳۶) دورشته سیم از کرمان به بندرعباس با تیر آهنی و همچنین يك رشته سیم با تیرهای چوبی از بافت به سعید آباد سیرجان از طرف اداره

تلگراف دولت فحیمه انگلیس امتداد یافت. برای خاتمه دادن باین عمل بر حسب تصویب هیئت محترم وزراء عظام در این تاریخ وزارت پست و تلگراف بنمایندگی دولت علیه ایران و همچنین رئیس کل اداره تلگراف دولت فحیمه انگلیس بنمایندگی از طرف دولت متوجه خود این قرارداد را منعقد و مواد ذیل را حتمی الاجرا میداند..

فصل دوم - دولت علیه ایران قبول مینماید ، که سیم‌هایی که سابقاً امتداد یافته و بعد امتداد خواهد یافت در تحت ریاست اجزای اداره تلگراف دولت فحیمه انگلیس تأسیس یافته و خواهد یافت . مواجب و مخارج اشخاصی را که در این سیم‌کشی مباشرت داشتند و دارند دولت علیه خواهند پرداخت .

فصل سوم - این خط تلگرافی مشتمل است بر دو رشته سیم که از کرمان شروع ، از یافت و دولت آباد عبور نموده و تا بندر عباس کشیده شده است یکی از این سیمها از بندر عباس به بندر لنگه و دیگری از بندر عباس به جاسک امتداد مینماید ، یکی از سیمهای مابین کرمان و بندر عباس عادتاً استعمال میشود برای مخیرات داخله و دیگری برای مخیرات بین‌المللی ، مشروط بر اینکه هر وقت هر کدام از این دو سیم خراب شود ، دیگری بکار انداخته شود ، بطوریکه هر دو قسم مخیرات یعنی ، مطالب بین‌المللی و داخله بدون علاوه قیمت مخیره شود ، عایدات مخیرات داخله تماماً متعلق بدولت علیه ایران است . معنی مطالب داخله این است که مطلب از یک تلگرافخانه ایران شروع و به تلگرافخانه دیگر ایران منتهی شود . سیم از بندر عباس به بندر لنگه ، و از بندر عباس به جاسک و از جاسک تا سرحد ایران و رشته سیم از یافت الی سعید آباد سیرجان ، بطور مساوی برای مخیرات داخله و بین‌المللی خواهد بود ، ساعات کار و ترتیب نقاط تلگرافخانه این خط را وزارت پست و تلگراف با موافقت رئیس کل اداره تلگراف انگلیس تعیین خواهد نمود .

فصل چهارم - اداره تلگرافی دولت علیه ایران ، در قسبات و دهات در امتداد این خط تلگرافی الی سرحد ایران ، هر نقطه لازم بداند تلگرافخانهها برای مخیره داخله تأسیس مینماید و اگر اداره تلگراف دولت فحیمه انگلیس لازم دانست ، برای

مخابرۀ بین المللی سیم دیگری روی تیرهای از کرمان بیند عباس و بیند عباس بیند لنگه، و جاسک بکشد، مجاز خواهد بود، مشروط بر اینکه مخارج این سیم بعهدۀ اداره تلگرافی دولت انگلیس باشد.

فصل پنجم - دولت فخیمة انگلیس قبول مینماید مبلغ لازم برای خرید تیر و سیم و حقره و غیره که برای این کار لازم باشد، و کلیه مخارج این سیمکشی و آنچه در فصل دوم این قرارنامه ذکر شده بطور مساعدۀ بدون تنزیل بدولت علیه ایران قرض بدهد و به نحوی که در فصل ششم ذکر میشود دریافت دارد.

فصل ششم - بعد از اتمام سیمکشی و قتیکه مأمور اداره تلگرافی دولت علیه ایران آنرا بازدید نمود صورت مخارجی که از این بابت شده هر چه زودتر بدولت علیه ایران داده میشود، مخارجی که میشود از قرارقران است و هم مخارجی که از بابت خرید اشیاء در هندوستان به رویه میشود به نرخ روز خرید اشیاء تبدیل بقران خواهد شد و پس از تعیین کلیۀ مخارج دولت فخیمة انگلیس قبول مینماید، که یک هشتم از کلیه مخارج موضوع و بدولت علیه بلاعوض واگذار نماید و بقیه قرض دولت علیه ایران خواهد بود بدولت انگلیس که آن بقیه را تا سنه ۱۹۴۵ هر ساله باقساط معادل مال الاجاره سیم مرکزی ایران که بدولت علیه باید داده شود کسر و بدولت انگلیس پرداخته شود و آنوقت باز اگر تمه از بقیه آن قرض باقی بماند قرض دولت علیه ایران خواهد بود بدولت انگلیس، و چون تمام مخارج پرداخته شود سیمها متعلق بدولت علیه ایران خواهد بود.

فصل هفتم - نگاهداری خط سیم یا مخارج تعمیرات و تعیین و سرکشی و ادای مواجب غلامهای سیم، که باید از رعایای دولت علیه باشند در اختیار رئیس کل اداره تلگراف دولت فخیمة انگلیس و اجزاء او خواهد بود، و این مخارج بر عهده دولت انگلیس است. کار سیمکشی و غلامها فقط تعمیر و نگاهداری سیم خواهد بود.

فصل هشتم - حفظ سیم و محافظت مأمورین خواه از رعایای دولت علیه و خواه از تبعه دولت فخیمة انگلیس، که مستخدم هستند در عهد مخصوص دولت علیه ایران است. در مواقعی که مأمورین دولت انگلیس خواسته باشند برکشی سیم بروند، قبلاً

اطلاع بدهند نقاظی را که دولت علیه اعلام کند خطرناک است باید آنها به نزدیکترین کارگزاران دولت علیه اطلاع بدهند تا مستحفظ همراه بفرستند .

فصل نهم - مختبرات بین‌المللی که از ایران صادر میشود یا اینکه بایران منتهی میشود ، دو ثلث دخل آن بدولت علیه خواهد رسید ، مختبرات تلگرافی که از ایران عبور میکنند ، چون این خط تلگراف فقط خط یدکی برای خط تلگراف موجوده بین طهران و بوشهر و مابین اردستان و کوه ملک سیامی باشد شروط مفصله متدرجه در فصل هشتم قرارنامه ۱۸۷۲ برقرار خواهد ماند ، مختبرات دولتی فیما بین دولت هندوستان و وزیر مختار انگلیس در ایران به نصف قیمت معمول محسوب خواهد شد چنانچه سابقاً در فصل نهم قرارنامه سال ۱۹۰۱ مندرج و قبول شده است .

فصل دهم - معلوم است که غیر از رعایای دو تین معاهدتین برای کلردر تلگرافخانه استخدام نخواهد شد .

فصل یازدهم - فصول نهم ، یازدهم ، سیزدهم ، پانزدهم و هفدهم قرارنامه سنه ۱۸۷۲ نیز راجع باین قرارداد خواهد بود .

فصل دوازدهم - این قرارداد برقرار خواهد ماند تا زمانی که قرض دولت علیه ایران از بابت تأسیس این خط تلگراف که در فصل ششم مذکور است پرداخته شود . هر گاه دولت فخریه انگلیس بخواهد قبل از انقضای مدت این قرارداد سیم رادر حالتی که میباشد بدولت علیه واگذار نماید ، میباید که شش ماه قبل اعلان کند و صاحب منصبان و مستخدمین انگلیسی را بطلبد ، و از آن تاریخ بارشده سیم هیچ مداخله نداشته باشد ، اما در این صورت دولت علیه از ادای بقیه قرض که از قرار این قرارنامه بر عهده دارد آزاد خواهد بود .

نصوب این قرارنامه در مدت پنج ماه یا زودتر اگر ممکن شود در تهران مبادله خواهد شد .

در طهران ۸ ماه مای ۱۹۲۰ مطابق ۱۸ برج نور ۱۲۹۹ - ۱۹ شعبان ۱۳۳۸

بچهار نسخه نوشته شد - امضاء محاسب الممالک وزیر پست و تلگراف^(۱)
 علاوه بر این قراردادهای تلگرافی طهران - مشهد نیز در سال ۱۸۸۵ میلادی
 (مطابق ۱۳۰۳ هجری قمری) بدولت انگلیس واگذار شد، که تا سال ۱۳۰۷ شمسی
 نیز در اختیار آنها بود. ^(۲)

در نظر نبود در باب تلگراف این اندازه بحث شود اما از آنجائیکه این موضوع
 یکی از آن رشته‌های محکم سیاست خارجی است، لازم بود تا حدی از آن صحبت
 شده باشد، و طرز معامله و رفتار طرفین را در مسائل عمومی نشان بدهد. مطالبیکه
 تاکنون در صفحات گذشته نوشته شد. قسمتی از موضوع مهم تلگراف است من حتی
 داخل در قسمت هائی که روسها در ایران مخایرات داشتند نشدم، آنها هم در موضوع
 تلگراف در ایران خودشانرا ذی نفع میدانستند مخصوصاً در قسمت استقرآباد و در اغلب نقاط
 مهم نیز از خود تلگرافچی داشتند، که مطالب خودشان را بدون دخالت اداره تلگراف
 ایران مخایره میکردند.

علاوه بر اینها قراردادهای کمپانی سیمس معروف است ^(۳)

این قراردادها نیز چندین فقره است، که در ادوار مختلف به پیشنهاد دولت
 انگلیس باین کمپانی داده شده است.

از آنجمله قرارداد ۱۱ ژانویه ۱۸۶۸ میباشد که بکمپانی مزبور در شانزده فصل
 داده شده، که بین **جلفای ارس** تا تهران سیم تلگراف کشیده شود شرایط طبق شرایط
 قرار داد تلگرافی دولت انگلیس است که با دولت ایران منعقد نموده بود - اول قرار
 بود فقط دورشته سیم کشیده شود، در شرایط قرارداد بعدی ۳ رشته شد، بعدها به چهار
 رشته سیم رسید.

در فصل سیزدهم این قرارداد مدت آن بیست و پنج سال مقرر شده بود بعدها
 به مدت آن افزوده گشت. همینکه بمدت قراردادهای تلگرافی دولت انگلیس

(۱) نقل از سائنامه اداره تلگراف سال ۱۲۹۹ ص ۱۰۲

(۲) کتاب معاهدات جلد دهم ص ۲۲

افزوده میشد بحدت این قرارداد نیز افزوده میگشت در تاریخ دهم ژانویه ۱۸۹۱ بموجب فرمان ناصرالدین شاه قرارداد ۱۱ ژانویه ۱۸۶۸ این کمپانی تا ۳۱ ژانویه ۱۹۲۵ امتداد پیدا کرد .

چون قراردادهای تلگرافی دولت انگلیس با ایران تا سال ۱۹۲۵ امتداد پیدا کرد این قرارداد تا سال ۱۹۲۵ امتداد یافت . (۱)

(۱) نقل از جلد دهم قراردادهای حکومت هندوستان با دول مجاور ص ۴۱

فصل سی و ششم

اوضاع افغانستان بعد از انقلاب هندوستان

سیاست انگلیس در افغانستان بعد از انقلاب هندوستان - وفاداری دوست محمدخان نسبت بدولت انگلیس - اصرار دولت انگلیس برای تصرف هرات - سکنه هرات - مرگ امیر دوست محمد خان - بروز اختلاف بین فرزندان امیر دوست محمد خان - اقدامات امیر شیرعلی جانشین امیر دوست محمدخان - دشمنی جدی بین برادرها

در اواخر ماه زانویه ۱۸۵۷ دولت انگلیس بموجب معاهده پشاور ۲۶ ماه ژانویه ۱۸۵۷ (مطابق ج ۱- ۱۲۷۳) که شرح آن در فصل ۳۲ گذشت^(۱) دوست محمدخان را مسلح نموده و بر علیه ایران آماده نمود، ولی هنوز داخل عملیات نشده دو واقعه مهم روی داد: اول صلح بین ایران و انگلیس بموجب معاهده پاریس در همان سال برقرار گردید، و در متعاقب آن انقلاب هند شروع شد و برای دولت انگلیس تا سال ۱۸۵۹ بسک گرفتاریهای فوق العاده در هندوستان فراهم آمد، که دیگر صلاح نبود با فرصت نداشت بین ایران و افغانستان پیش آمدهای سوئی رخ بدهد، این بود افغانستان و ایران چند سالی آسوده و راحت بودند، هرات نیز که در نظر دولت انگلیس دروازه هندوستان اسم گرفته بود در تحت اوامر پادشاه ایران توسط سلطان احمدخان اداره میشد.

دقتار امیر دوست محمدخان در تمام مدت انقلاب هند نسبت بمتصرفات انگلیس در هندوستان کاملاً دوستانه بود ، در رعایت شرایط عهدنامه ۱۸۵۷ منتهی درجه وفاداری را نسبت بدولت انگلیس نشان داد .

در سال ۱۸۶۲ مطابق ۱۲۷۹ هنگامیکه پادشاه ایران بمطالعه پیشتهادهای دولت انگلیس راجع بساحداث خط سیم تلگرافی بین خاتین - طهران و تهران - بندر بوشهر مشغول بود در افغانستان امیر دوست محمدخان با کمکهای مادی و معنوی دولت انگلیس و حکومت هندوستان بر علیه دولت ایران مشغول تجهیزات بوده و همینکه با اسلحه ممتاز آن عهد حکومت هندوستان ، مسلح شد پس از حمله بقلعه غوریان بقصد تصرف هرات عزیمت نمود ، حاکم هرات در آن تاریخ سلطان احمد خان برادرزاده دوست محمد خان بود که تا آنروز تحت اوامر شهریار ایران حکومت میکرد ، با پسر رشید خود شهرتواز خان در حفظ هرات مردانه ایستاد و از این اقدام قشون کشی دوست محمدخان و قصد او از تصرف هرات ، پیاد شاه ایران اطلاع دادند ، از طرف شهریار ایران یک قشون مکمل و منظم بعهده بیست هزار نفر آماده جنگ گردید و در تحت فرماندهی مرحوم حسام السلطنه که در آن زمان بگانه شاهزاده جدی و وطن پرست ایران محسوب میشد حرکت کرده تا سه منزلی هرات پیش رفت و بدستور تهران در آن محل متوقف شد .

شرح این لشکر کشی و نظم صحیح اردوی حسام السلطنه را استویک معروف که در آن تاریخ در ایران بود و بعد مأمور خراسان شد خوب شرح داده و ضبط کرده است و مختصری از آن در فصل ۳۴ گذشت .

در آن تاریخ دولت انگلیس از اقدامات دولت ایران برای نگاهداری اظهار عدم رضایت و با اعتراضات دولت ایران وقتی تمیکداشت باصرار دولت ایران در این تاریخ فقط باین اندازه قناعت نمود که استویک را مأمور خراسان کند و ظاهر امر برای وساطت و رفع اختلاف و اصلاح بین ایران و افغانستان بود ولی یاطن امر معطل نمودن قشون ایران تا خاتمه کل هرات بدست دوست محمدخان و الحاق آن با افغانستان . ولی دولت ایران بدینها قناعت ننموده و دلایل خود را برای بقای حکومت

هرات در دست عمال ایرانی اظهار نمود و علاوه کرد اگر دوست محمد خان هم قرار باشد در مسائل هرات نظر داشته باشد اقبلا میبایست در این باب قراردادی با دولت ایران مقرر بنماید ، چونکه دولت ایران ناچار است با آن گسائی که در هرات حکومت دارد روابط حسنه داشته باشد زیرا که امنیت و آسایش سکنه خراسان مربوط به این موضوع است .

اما از آنجائیکه دولت انگلیس يك سیاست دیرینه را در افغانستان تعقیب مینمود (۱) در این هنگام نیز بر طبق همان سیاست يك جواب سر بالائی بدولت ایران داد حرکت دوست محمد خان بطرف هرات و جنگ با سلطان احمد خان را يك نوع اختلاف داخلی دانست و دخالت دولتین انگلیس و ایران را در امور داخلی افغانستان صلاح ندید بنابراین فقط اقدامیکه در این مورد نمود همانا احضار نماینده سیاسی مسلمان حکومت هندوستان از کابل بود و حرکت امیر دوست محمد خان را هم بطرف هرات يك نوع اقدام غیر ظالمانه تلقی کرد (۲) ولی بحضور صاحبمنصبان انگلیس در اردوی دوست محمد خان هیچ اشاره ای نمود و در این باب اظهاری نکرد (۳)

مگر در این باب اشاره شده که دولت انگلیس نظر بملاحظات سیاسی ، هرات را دروازه هندوستان میدانست و تصمیم داشت که بهر قیمت شده هرات را در تصرف امارت کابل قرار بگیرد و با آن امتحاناتی که امیر دوست محمد خان در وفاداری خود نسبت بدولت انگلیس نشان داده بود تصرف هرات ، دروازه هندوستان بدست دوست محمد خان که یکنفر امین وفادار نسبت بدولت انگلیس بود سپرده میشد و برای امارت افغانستان نیز امیری بهتر از دوست محمد خان سراغ نداشتند .

در این تاریخ اکثریت سکنه هرات ایرانی ، و شیعی مذهب بودند ، اساساً تمام سکنه هرات ایرانی هستند ، قرنهای حکومت و فواین ایران عادت کرده و با آداب و رسوم و

(۱) تاریخ هندوستان جلد ششم ص ۴۰۶ تألیف دادویل

(۲) تاریخ هندوستان جلد ششم ص ۴۰۵

(۳) این قسمت را سر هنری رالنسون در کتاب خود موسوم به انگلیس و روس در شرق

در صفحه ۱۰۲ و صفحه ۱۹۱ مفصلاً شرح داده است

شون ملی ایران خو گرفتند ، هرات نیز مانند یکی از شهرهای قدیمی ایران همیشه در تحت اوامر پادشاهان ایران بوده و با حکومت کابل هیچوقت ارتباطی نداشته است ، فقط در زمان احمدخان ابدالی آنهم در اثر انقلابات داخلی ایران بوده که چند صباحی بهرات ~~صیقل~~ یافتند ، دلیل دیگری وجود نداشته . بعدها که هرات را بزور و فشار نظامی و سیاسی دولت انگلیس از ایران مجزی نموده بامارت کابل ضمیمه کردند و پس از آن بدست امیر عبدالرحمن خان سپردند و با همه آن سختی و خشونت و بیرحمی که امیر عبدالرحمن خان بد آنها متصف بود تا اواخر عمر خود با سکنه هرات بمدارا رفتار مینمود سکنه هرات در مرثیه خوانی و عزاداری آزاد بودند حتی تا این اواخر هم قریب پنجاه تنگه عزاداری و روضه خوانی در هرات دایر بوده و خود امیر عبدالرحمن خان برای جلب قلوب شیعیان به تنگهها در موقع عزاداری رفت و آمد میکرد . فقط در سالهای اخیر حیات خود که تا اندازه دارای قدرت و نفوذ شده بود از عزاداری شیعیان جلو گیری کرد . و برای برانداختن آثار شیعیان سکنه هرات ، بیرحمانه اقدام مینمود .^(۱)

عده قشون دوست محمدخان در محاصره هرات بالغ بر بیست هزار نفر بوده عده قشون سلطان احمدخان فقط بهشت هزار نفر میرسید این عده برای مدت ده ماه مردانه جنگیدند در این بین عیال سلطان احمدخان که دختر امیر دوستمحمد خان بود از غم و اندوه این جنگ طولانی وفات کرد هر دو طرف عزادار شدند .

در تاریخ عین الوقایع مینویسد :

شاهنواز خان از آن رشادتی که داشت کمال اهتمام را در نگهداری شهر نمود و هفت ماه بدینمئوال گذشت تا نوابه مادر او از غیرتی که داشت باندیشه اینکه چرا باید پدرش و شوهرش با هم طرف جدال باشند و خونریزی مسلمانان از طرفین واقع شود و عداوت در بین باشد در این روزها ناخوش سخت شد موافات یافت خیر این مطلب را از بالای برج قلعه باردوی دوستمحمد خان دادند ، امیر معظم ، تمام پسران و صاحبمنصبان خود را باتمام تجملات به تشییع جنازه فرمان داد ، و طرفین ، جدال را متروک داشتند : جنازه نوابه را بزرگان شهر از دریچه دروازه خوش هرات محترماً خارج ساختند ، مأمورین

باتفاق جنازه را **بگازرگاه** برده قرب مزار **خواجه عبدالله انصاری** دفن نمودند و جلوای پیش جنازه را با هم خوردند و بشهر مراجعت کردند و مجلس تفریه، هم درآورد و هم در شهر تا سه روز منعقد بود بعد از آن بنای گلوله ریزی را طرفین بجانب یکدیگر گذاشتند اما بفاصله چند روز بعد سردار سلطان احمد خان که بیمونس شده بود بدرود زندگانی گفت و مجدداً از طرفین بقانون مزبور اقدامات بتشیع جنازه و دفن در گازرگاه بعد از آمدن و تفریه داری بشهر وارد و تا سه روز بر پا بود بعد از آن باز جنگ بنیاد کردند. (۱)

هم در این تاریخ مینویسد :

در کابل توبی بزرگ با اسم **چهار یار** ریخته بودند و در این محاصره این توپ در کار بود و بشهر هرات گلوله ریزی میکرد در هرات شخصی **استاد ابراهیم** نام معروف با ایرانی اونیز توپ عظیم الجثه ریخت آنرا بنام **پنج تن** نامیدند و با آن توپ باردوی امیر دوست محمد خان گلوله میانداختند ، در این ایام روزی توپ پنج تن را از سر دروازه **قطب** ، جاق بسنگر توپ چهار یاری نشان گرفته تیر اندازی کردند گلوله توپ پنج تن دهان توپ چهار یار را شکست و از کار انداخت سردار شاهنواز خان از این نشانه گیری شوق کرده فریاد میزد که پنج تن چهار یار را زد .

هرات پس از ده ماه مقاومت بالاخره تسلیم شد و حکومت آن بدست دوست محمد خان افتاد ولی این فتح برای امیر دوست محمد خان چندان خوش یمن نبود و بعد از دو روز از تسلیم شهر هرات خود اونیز در بیرون شهر هرات وفات نمود و در قرب مزار خواجه عبدالله انصاری مدفون گردید .

هنوز روز سوم وفات امیر دوست محمد خان برگذار نشده بود که اختلافات سختی بین فرزندان امیر دوست محمد خان بود استنکاف ورزیدند .

نخست سردار **محمد امین خان** سردار **محمد شریف خان** لشکر یان و توپخانه ابواب جمعی خود را با خیمه و خرگاهی که داشتند برداشته همراه خود بجانب قندهار بردند سایر برادران امیر شیر علیخان هم بعضی اسلحه و اموال زیادی خودشان را

توسط خواص خودشان بطرف غزین و کابل فرستادند و خودشان نیز در دنبال آنها بدون اجازه امیر شیرعلیخان از اردو بیرون رفتند . (۱)

دوست محمدخان بزور انگلیسها بر ملت افغانستان تحمیل شده بود همینکه او از میان رفت آن ابهت و عظمت امارت افغانستان نیز که با نفوذ اجنبی پیدا شده بود همان روز مرگ دوستمحمد خان در میان اولاد او متزلزل شد و از بین رفت ، و يك دوره آشوب ، و اغتشاش ، و عدم امنیت ، بجای آن همه نفوذ ، و قدرت ، حکم فرما شد . نتیجه این شد که در مدت ۱۸ سال مملکت افغانستان گرفتار جنگهای داخلی و خارجی گردید و بهترین سرداران و امراء افغانستان در میدانهای جنگ یکدیگر را بھلاک انداختند و بهترین مردان و جوانان افغانستان در این مدت هردسته در زیر بیرق یکی از سرداران نامی گرد آمده بنا برینتی بجان هموطنان خود افتاده ، یکدیگر را با آن تعصبی که دارا هستند بھلاک انداختند . این ملت رشید جنگی منصف و نادان ساکت و آرام نشدند تا اینکه يك دوستمحمدخان دیگر با نفوذ و اقدام خارجی بر آنها مسلط شد ، این شخص همان عبدالرحمن خان معروف است که در دوره او نیز مثل زمان امیر دوستمحمد خان بمساعدت دولت انگلیس امارت افغانستان در ظاهر رونقی گرفت و این رونق تازه نیز درست مانند رونقی بود که در زمان امیر دوستمحمد خان ، بعد از سال ۱۸۵۴ در افغانستان ایجاد شده بود ، چنانچه شرح خواهم داد ، بعد از مرگ دوستمحمدخان در اثر سیاست او و نفوذ خارجی يك انقلاب و آشوب غریبی در مدت ۱۸ سال در آن مملکت روی داد .

بعد از مرگ امیر عبدالرحمن خان همان انقلاب و آشوب تجدید گردید بلکه بدتر و شدیدتر که هنوز هم خاتمه نیافته است و معلوم هم نیست چهوقت خاتمه پیدا کند . من در اینجا مختصری از وقایع و اتفاقاتی که در این دوره برای این ملت رشید و با ایمان روی داده است اشاره خواهم نمود .

در تاریخ عین الوقایع مینویسد : (اول اقدام امیر شیرعلیخان در هرات دستور بود برای ساختن لوح مرمری که در طول ۳۳ درع تمام و در عرض دوازده گره بجهت قبر مرحوم

امیر دوستمحمد خان که مرحوم حاجی میرزا قدسی هروی ماده تاریخ مفصلی گفته است (گفت قدسی برای تاریخش - مدفنش بزم خواجه عبدالله . ۱۲۸۰) و علاوه میکند امیر شیرعلیخان اهالی هرات را با انواع وسایل دلجوئی کرده همه را با خود متفق ساخت و چون سردار محمد اعظم خان و سردار محمد اسلم خان بعد از فتح هرات بدون اطلاع و تصویب امیر شیرعلیخان بکابل شتافتند و امیر شیرعلیخان در کابل جانشینی بقیار از سردار محمد علیخان نداشت بدین خیال افتاد که مبادا سردار محمد اعظم خان و سردار محمد اسلم خان استعدادی فراهم نمایند و تخت امارت افغانستان را متصرف شوند لهذا سردار محمد یعقوب خان را در سن ۱۲ سالگی بحکومت هرات منصوب نموده ناظر نعیم خان و سپهسالار قراقرز خان را به پیشکاری او گماشت و خود با ۱۲ هزار سپاه پیاده و سوار و ۱۲ عراده توپ و سردار شاهنواز خان و سردار اسکندر خان^(۱) و سردار عبدالله خان پسران سلطان احمد خان را که در فتح هرات دستگیر شده بودند تحت الحفظ با خود برداشت و روانه قندهار شد^(۲)

امیر شیرعلیخان خاطره های خوبی از انگلیسها نداشت در ایام طفولیت که همراه پدرش در هندوستان اسیر بوده و آنروزها را همیشه در خاطر میداشت و همینکه بمروور بزرگ میشد و دخالت های انگلیسها را در امور افغانستان میدید^(۳) و سیاست آنها آشنا میشد از آنها ناراضی بود ، در موقع انقلاب هندوستان مکرر پدرش پیشنهاد مینمود که به پشاور حمله کنند و آنجا را متصرف شوند پدرش راضی نمیشد و او را از این خیالات منع میکرد. حتی در رختخواب مرگ هم پسرش نصیحت میکرد که از دوستی انگلیسها صرف نظر نکند و همیشه نسبت بآنها اظهار دوستی نماید ، ولی باو تأکید میکرد مبادا یکی از ملت انگلیس را بچاک افغانستان راه بدهد . خود امیر دوستمحمد خان با اینکه نهایت دوستی و صمیمیت را نسبت بانگلیسها نشان میداد ولی هیچ وقت بعیل

(۱) این اسکندر خان در آتیه یک رل های مهمی بازی کرد که در موقع خود اشاره میشود.

(۲) عین الوقایع ص ۱۴۵ - (۳) در این تاریخ لرد روسیل بدولت انگلیس پیشنهاد نمود که

بگذارند امیران و افغانستان بدون دخالت دولت انگلیس باهم کنار بیایند. گزن ص ۲۳۰

خود راضی نمیشد که یکفرانگلیسی وارد افغانستان شود و در پنهانی به علماء دستور میداد که غوام را بر علیه آنها بشوراندند (۱).

انگلیسها مایل نبودند بگذارند امیر شیرعلی بایکچنین سوابقی با امارت افغانستان برسد. آنها از امیر شیرعلی متنفر بودند و امیر شیرعلی نیز از آنها روگردان و ناراضی بوده و معلوم نیست دولت ایران بچه مناسبت و برای چه در این تاریخ چه قبل از مرگ دوست محمد خان و چه بعد از مرگ او مجدداً هرات را تصرف نمود و برای چه با اینکه انگلیسها از امارت امیر شیرعلی ناراضی بودند در تعیین حکومت هرات علاقه نشان نداد؟ و چرا برای استخلاص پسرهای سلطان احمد خان کوشی نمود؟ در این باب بعدها اشاره خواهیم نمود.

اما اوضاع افغانستان بعد از امیر دوست محمد خان: امیر شیرعلی بعد از فراغت از امور هرات با پسرهای سردار سلطان احمد خان غازم قندهار شد و از آنجا بکابل رفت و زمستانرا بدون اتفاق سوئی گذارید در بهار سال بعد مخالفت برادرهای او شروع گردید. سردار محمد افضل خان حاکم بلخ و سردار محمد اعظم خان حاکم خرم اول کسانی بودند که شروع بمخالفت نمودند. امیر شیرعلی بکندعه قشون حکم کرد برای سرکوبی آنها اعزام داشت اول با سردار محمد اعظم خان مصادف شد و او را شکست داد وی بخاک هندوستان پناه برد و در روال یندی وظیفه خوار حکومت هندوستان شد بعد خود امیر شخصاً برای گرفتن سردار محمد افضل خان قشون کشید قبل از اینکه جنگ شروع شود بتاوینی سردار محمد افضل خان را باردوی خود دعوت نمود و در آنجا گرفتار کرد و پس از اصلاح امور بلخ و نواحی آن سامان بمقر امارت خود مراجعت نمود.

طولی نکشد که این بار سردار محمد امین خان برادر تنی او بر علیه امیر قیام کرد.

راجع باین جنگ نویسنده عین الوقایع شرحی مینویسد من عین آنرا در اینجا نقل میکنم: در سال ۱۲۸۱ هجری (مطابق ۱۸۶۵ میلادی) سردار محمد امین خان با لشکریان خود در قلمرو قندهار بحوالی کلات قلیجالی حاضر و مصمم کلزار شد اما